



سال اول - شماره ۳ - دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۵۸ - شماره ۵ آرپال

دادگاه خلق قدیمی در راه حاکمیت مردم بر سرنوشت خود

مقدمه: هر دوره از تحولات اجتماعی بنا به نیازها و ضرورت‌های خود نهادهای خاصی را هم میطلبد. دادگاههای خلق هم پدیده و نهاد مناسب با مرحله روزهای پس از انقلاب و جوانی درخور به نیازهای این مقطع خاص محسوب میشوند.

روح حاکم در نظرگاههای مادر موریدیک قانون اساسی طراز مکتب (اسلام)

در صفحه ۵
مصاحبه مطبوعاتی مجاهدین خلق
قانون اساسی باید پاسخگوی چه مسائلی باشد؟ در صفحه ۶
دادگاه انقلاب شیخ الاسلام زاده راجحانجات دادی! در صفحه ۷

دولت موقت ایران و برنامه اقدامات فوری دولت موقت انقلابی نیکاراکونه

آیا انقلاب نیکاراکونه راه ایران را خواهد رفت؟

اداره جامعه انقلابی باری است پرورش دولت غیرانقلابی

پیروزی جبهه آزادیبخش ملی ساندی نیست‌ها در نیکاراکونه توجه ملل تحت ستم و در حال مبارزه را برانگیخته و مایه دلگرمی و شور و شغف مبارزان راستین گشته است. از طرف دیگر این سؤال که حکومت جدید، انقلاب بیروزمند خلق نیکاراکونه را بجا خواهد برد مطرح می‌باشد. سؤالی که در مقابل سرنوشت هر انقلابی وجود دارد.

علاقمند تفاوت‌های باری که مبارزه مردم نیکاراکونه علیه سوموزا، با قیام مردم کشور ما علیه رژیم سلطنت دارد. خلق ایران و نیکاراکونه تقریباً همزمان دو دیکتاتوری پنهان را سرنگون کردند. شروع هردو انقلاب با حرکات مردمی، وقوع انقباض‌های سراسری و بالاخره روبرویی و درگیری مستقیم مردم با یک ارتش مسلح‌همراه بود. تشکیل حکومت جدید در کنار رژیم در حال زوال گذشته، وجه تشابه دیگر در نحوه دیکتاتوری ایران و نیکاراکونه می‌باشد. سؤال این است که این شباهت‌های ظاهری تا چه حد می‌تواند بیانگر سرنوشت‌های یکسان این دو انقلاب باشد. بررسی تصمیم‌گیری‌ها

بقیه در صفحه ۲

آیه‌الله طالقانی در سفارت فلسطین همبستگی خلقها جاودانه‌بان



در شامگاه روز شنبه ۵/۵/۵۸، مهمانی افطار ماهی در محفل دفتر نمایندگی جبهه آزادیبخش فلسطین در تهران برگزار بود. در این مهمانی آیت‌الله طالقانی، سفیران الجزایر، سوریه و تونس، نماینده جبهه آزادیبخش ارتبه و همچنین سعید رجوی همراه با تنی چند از برادران عضو سازمان مهمان‌هایی - الحسن نماینده فلسطین در ایران بودند. که ضمن آن گفتگوهای مفید و بحث‌هایی حائلی جریان داشت.

بقیه در صفحه ۱۱

در دومین نماز جمعه در دانشگاه تهران آیت‌الله طالقانی گفت:

حمله به جلسات، میتینگها، کتابخانه‌ها و پاره کردن اعلامیه‌ها عملی غیراسلامی است

در دومین جمعه ماه رمضان زبیر آفتاب گرم ظهر، جمعیت صدها هزار نفره مردم، برای وحدت هر چه بیشتر در صحن دانشگاه صف بستند. مردم با تکرار شعارهایی از قبیل: "۲۰ آمریکا، ۲۰ بریتانیا، بریتانیا فدات" - "حمیتی بت شکن رهبر انقلاب است" و "اسلام پیروزی است - ارتجاع نابود است" پیوند ضد امپریالیستی خود را مستحکمتر نمودند.

هدف از تشکیل شورا و وظایف محوری آن

روابط و نهادهای شورایی (قسمت سوم)
● شوراها یک اقتصاد ملی و مستحکم را پایه‌ریزی می‌کنند.
۱- حق نظارت بر تهیه مواد اولیه و تولید و توزیع کالا و قیمت گذاری.
۲- حق نظارت بر امور اداری و مدیریت.
۳- حق نظارت بر تعیین دستمزدها و درآمد کارکنان و تأمین امور رفاهی آنان.
۴- وظیفه مسئولیت‌های مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کارکنان.
بقیه در صفحه ۳

اجتماعی در زمان ما یاد کردند.

سبب اساسی در جنبه‌های ششگانه سبب ضرورت وحدت سخن گفت، و برای برقراری محتوای اصل اساسی - اجتماعی مسجد و نماز جمعه - همچون صدرالامام روشنگری نمود. استادان محترم را یک حزب و گروه خاص را تشویق نمود و گفت که احزاب - طلبی منجر به محدودیت مفروضات و اصولی دیگران و حتی عدم واقع بینی و درجا زدن خود آن حزب میشود. و همچنین احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی را تأکید کرده و افزود: "پاره کردن اعلامیه‌ها و پوستره‌های دیگران در آستانه انتخابات مجلس غیرانگاری عملی بد و رازآموز است.

سبب اساسی در جنبه‌های ششگانه سبب ضرورت وحدت سخن گفت، و برای برقراری محتوای اصل اساسی - اجتماعی مسجد و نماز جمعه - همچون صدرالامام روشنگری نمود. استادان محترم را یک حزب و گروه خاص را تشویق نمود و گفت که احزاب - طلبی منجر به محدودیت مفروضات و اصولی دیگران و حتی عدم واقع بینی و درجا زدن خود آن حزب میشود. و همچنین احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی را تأکید کرده و افزود: "پاره کردن اعلامیه‌ها و پوستره‌های دیگران در آستانه انتخابات مجلس غیرانگاری عملی بد و رازآموز است.

سبب اساسی در جنبه‌های ششگانه سبب ضرورت وحدت سخن گفت، و برای برقراری محتوای اصل اساسی - اجتماعی مسجد و نماز جمعه - همچون صدرالامام روشنگری نمود.

سبب اساسی در جنبه‌های ششگانه سبب ضرورت وحدت سخن گفت، و برای برقراری محتوای اصل اساسی - اجتماعی مسجد و نماز جمعه - همچون صدرالامام روشنگری نمود. استادان محترم را یک حزب و گروه خاص را تشویق نمود و گفت که احزاب - طلبی منجر به محدودیت مفروضات و اصولی دیگران و حتی عدم واقع بینی و درجا زدن خود آن حزب میشود. و همچنین احترام به آزادیهای فردی و اجتماعی را تأکید کرده و افزود: "پاره کردن اعلامیه‌ها و پوستره‌های دیگران در آستانه انتخابات مجلس غیرانگاری عملی بد و رازآموز است.

آیا ارتش در قبال خلقها به سیاست شاهنشاهی باز می‌گردد؟

● موضع گیری ارتش در رابطه با ملت‌ها بهترین معیار عملی باشد مردمی بودن است

فانونمندی کالی که تا بحال ارتش در تمام جوامع طبقاتی ابزاری برای سرکوب بوده است. دوباره در گوشه‌های دیگر از این مریز و بوم مبدع می‌یابد. پس رسائی نمی‌خواهد که خاطر آوریم ارتش صلاحتی شاه جنایتکار، در گذشته چه تلاشی بر خواهران و برادران کرد ما آورد. خیلی از مردم گردستان اکنون هم که بقیه در صفحه ۲

دیدگاههای اپدولوژیک مجاهدین خلق برداشتهانی از نهج البلاغه (عمدتاً خطبه‌های ۹۱ و ۱۹۶)

امام علی بخاطر جذب افراد و نیروها امتیاز میدهد

چندی نگذشت که انحراف از خط اصولی آغاز گشت. انحراف در ابتدا عیلمی جزئی و بسختی قابل تشخیص بود. مضمون این انحراف عدول از نقطه نظرهای توحیدی و سنت قاطع و صریح پیامبر در زمینه جلوه‌گیری از پیدایش و شکل‌گیری طبقات ممتاز و استثمارگر بود. نخستین شکل بروز این گرایش انحرافی این بود که راه برای ترویج شدن اقلیت خاصی باز کرده شد. بعداً در تقسیم بیت‌المال نیز برای کسانی که موانع طولانی‌تر و مشخص و قریب‌هنایی با رهبران امت داشتند امتیاز ویژه‌ای در نظر

گرفته شد. علت این انحراف از یک طرف - نپوئیتی حرکت جدید بود. که طبعاً "آسیب پذیری آن را بالا می‌برد. و از طرف دیگر حضور شدید بقایای عناصر جاهلی و طبقاتی (اشرافیت) و بسته به جامعه" کهنه بود. که ذهنیت و تعقیرات بسیاری از مسلمانان سابقه و مشهور را نیز تحت تأثیر قرار داده. و آنان را از تطبیق با اپدولوژی و خطی منی انقلابی توحیدی ناتوان ساخته بود. بخصوص که اسلام راه هرگونه بازگشت به شرایط بقیه در صفحه ۹

آبایارقتش

بقیه از صفحه ۱

چشم برهم میگرداند ، براحتی صدای هواپیماهایی را که برای آنها سرگ و نیستی و غرابی بارانبار میآوردند ، به خاطر میآورند ، هنوز تنگ جنابیات اویسیها که بهاسی این خدمتانشان به پیشگاه عاری از مهر به مراتب بالای ارتقا یافتهاند پاک نشده است ، و هنوز از محل به خاکافشانان شهیدای خلق گذرند ، از فاضی محمدها گرفته تا سلا آواره ها و شریفزادهها خون میجویند . در جریان انقلاب اخیر نیز شاهد جانفشانیهایی فراوان خلق کرد در کنار مبارزات خلق قهرمان ایران بودیم .

اولین آزمون ارتش جمهوری اسلامی

از همان ابتدای پیروزی انقلاب ، زمانی که هنوز آثار اولین لجنخند های ناشی از شکست دیکتاتوری و بیرون رفتن دشمن ، از لاسها محو نشده بود ، ارتش در واقع، سندج (۱۲/۲۹) جنگ و دندان نشان داد . زمانیکه خلق کرد با امید فراوان چشم به دستاوردهای انقلاب تازه دوخته بود ، و انتظار پایان یافتن مصیبتها و فشارهای اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی طولانی را داشتند ، بفرمان رئیس ستاد وقت ارتش جوابی دگرگونی نداشتند .

دوساره سرباز در برابر سردم قرار گرفت ، و همان رابطه قدیمی برقرار

گشت ، انتظاری که از مبارزه ضد - دیکتاتوری گذشته صرفت ، این بود که در این مرحله قاعدتا "می بایست حق تعیین سرنوشت مردم از طریق خود آنها ، محترم شمرده شود . چراکه این ساله چه بلحاظ ایدئولوژیک ، چه به لحاظ سیاسی برای خلق ما از اهمیت خاصی برخوردار است . اما بطور کلی این حق و این خواسته مشروع نادیده گرفته شد ، و بجای آن کلوله و نارنجک و خسیاره عطا شد .

ارتقا ایدئولوژیک برخوردار علی (ع) با این ساله و توسعه او به مالک اشتر در مورد شیوه روبرویی با مردم بسیار آموزنده است . امام علی میگوید : " ... لا تکتون علیهم سیما " فارسیا " نقتنم و لکلمهم ، فانهم صفان : اما اع لکفی الدین ، و اما نغیرک فی التخلی ... " یعنی " ما با نسبت با شما چون جانوری درنده خوردنشانرا نغیرت دانی ، که آنان دو دستهاند : یا با تو برادر دینی اند و یا در آفرینش همانند شو هستند ... "

ولی با دخالت بیجای ارتش در مسألهای که اساسا " راه حلی نظامی برای آن تصور نیست ، چون نزدیک شدن جرقهای به انبار باروت ، آتشها غلغلور و بحران آغاز شد . دهکده ها و برهان شدند ، مردم از بالا توسط هلی کوپترها به کلوله بسته شدند (۵۷/۱۲/۲۹) و حتی از گارد شاهنشاهی سابق برای سر- کوب مردم استفاده گردید . تا بقبول خودشان برای پاک کردن برهنهشان از

آبایانقلاب نیکار اگونه

خود را نیز به مردم عرضه کند ، مجاهدین خلق ایران موقعی که چنین برنامه حداقلی از جانب دولت ارائه نشد ، به تدوین و انتشار انتظارات مرحلهای خود از جمهوری اسلامی پرداختند ، گرچه این عمل از جانب مجاهدین در آن مرحله تنها به آمادسازی ذهن تودهها می - توانست کمک کند نه به برنامه دولت موقت انقلابی !! اما دولت موقت نیکارگونه تغییرات انقلابی جامعه را اصل گرفته ، و انتخابات را به ۳ تا ۵ سال دیگر اجاله دادند . اطلاعات (۵۸/۲/۱۲) آنها در کمتر از ده روز که از استقرار حاکمیتشان گذشت برنامه ، اقدامات فوری خود را اعلام کردند . بررسی محتوای دولت موقت انقلابی نیکارگونه را بر اساس برخی از اسواد برنامهشان با کارنامه اقدامات دولت موقت ایران انجام می دهیم .

عقایسه برنامه حداقل دولت نیکارگونه با کارنامه عمل دولت ایران

۱- سردم مورد سایل ارضی : برنامه اقدامات فوری دولت انقلابی نیکارگونه چنین می گوید : " دیگر هیچکس نخواهد توانست از طریق بهره مالکانه با اجاره بیسای زمین و یا از راه قیمت زمین جیب خود را برون کند " تمامی املاک و زمینهای خاندان سوموزا و افسران علیرتبه ارتش بین دهقانانی که بی زمین اند و تمام کسانیکه مایلند روی زمین کار کنند تقسیم خواهد شد " در قبال برخورد انقلابی دولت موقت نیکارگونه با مسأله ارضی ، سکوت دولت موقت انقلابی ایران در مورد زمین از ابتدا تا بحال ادامه دارد . و

جنابات گذشته ، بازار هر یکفتری که قبل از انقلاب کشته بودند ، یکی هم اینجا بکشند . ولی خوببختانه با یا در مابین آیت الله طالقانی و تشکیل شورای محلی و احاله امور به آن تا حدودی بحران موقتا " فروکش کرد . گرچه در حین انجام مذاکرات هم ، برای قدرت نمایی هواپیما ها را به پرواز درآوردند و حتی کردند مانع انجام مذاکرات شوند . ولی یکبار دیگر ثابت شد که تنها راه حل ساله ملتپنا را محلی سیاسی است و نه نظامی .

نقش تعیین کننده پرسنل آگاه و مبارز ارتش

مهمتر از همه اینکه برستان ، سارز و آگاه ارتش دیگر زیربار اطاعت کورکورانه و قتل و غارت هم سنبهان خویشی نمی - رفتند . آنان به هیچ قیمتی حاضر نبودند رودزوی مردم قرار بگیرند . قطنامه ۴ درجه داران نیروی دریایی رشت ، هنگامی که فرماندهان ارتش سفول اعطای درجه و نشان و دلگرم کردن و آماده نمودن نظامیان برای استفاده از آنها نبودند ، از گویاترین نمونهها در این مورد است : " ما بدین وسیله اعلام می داریم تحت هیچ شرایطی به روی مردم منکبت آتش نگذوده ، و به هیچ عنوان در کشکتهای درون مرزی دخالتی نکرده و فقط از مرزهای کشور مرزبان تا پای جان پاسداری و دفاع خواهیم نمود . به هیچ وجه و عنوان و تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهیم داد شوراهای یادگانی ننویسند . زیرا معتقدیم در صورت نبودن شوراهای اطاعت کورکورانه و ظلم و ستم دوران طاقت دویاره احیا خواهد شد "

سیاستهای گذشته دنبال می تون

مقام های تصمیم گیرنده در سطح ارتش و بطور مشخص فرید رئیس ستاد بعدی ارتش ، در مواجهه با ناراضیهای فراوانی که این اولین آزمون ارتش ایجاد کرده بود ، تاکنکت تازه ای بکار بستند . بدین ترتیب که بجای قراردادن یکباره ارتش در برابر مردم ، می توان آنها را پشت سر پاسدارها که از وجهه و حیثیت بیشتری بین مردم برخوردارند ، پنهان کرد . تجربه نشان داده بود ، کینه های که مردم از ارتش بدل دارند ، عمیقتر از آنست که باین حدگی از بین برود ، از طرف دیگر اعدام های انقلابی اوایل پیروزی ، مخصوصا " در مورد فرماندهان و نظامیانی که دست خود را به خون مردم آلوده کرده بودند ، تنور انقلاب را گداخته نگه می داشت و مانع از توطئه های جدید

کلیه پیشهوران ، کارمندان ، مستخدمین و استادکاران بدون هیچگونه محدودیتی حق دارند آزادانه اتحادیه صنفی خود را تشکیل دهند ، و این حق آنان تضمین خواهد شد . حکومت سانسونیستی اتحادیه ها را تشویق خواهد کرد ، تا از این طریق کارگران و زحمتکشان بتوانند از دستاوردها و حقوق خود دفاع کنند . " در مورد سایل منطقه ای و محلی " اهالی محل مشکل خواهند شد و خود به تمام مسائل مربوط به محله " خود خواهند پرداخت "

در ایران با وجود طرح شوراهای طرف آیت الله طالقانی و حکم امام خمینی در این مورد ، بر سر اجزای آن کارکنی صورت می گیرد و می رود به بونه " فراموشی سپرده شود . و حتی در جاهایی که بوجود آمده است در خطر تعطیل قرار گرفته است .

ریشه ضعفهای دولت موقت ایران فضاوت در مورد آینده " نیکارگونه همچون قضاوت برهر جامعه دیگری به سبب پیچیدگیهای خاص جوامع بشری مشکل است . اما با توجه به قانونمندیها و تجارب انقلابی خلق های دیگر در موقعیت های انقلابیشان ، میتوان گفت که تصمیم گیریهای دولت انقلابی سانسونیست سرنوشت ریشتری را برای خلق نیکارگونه بارمان خواهد آورد . سرنوشتی که چه بسا خالی از نوسانات و کششهای ناموزون وقایع ایران خواهد بود . رهبران سانسونیست گویی با روشن بینی طریقی واقع گرایانه را انتخاب کرده اند ، طریقی که در دوره چندین سال مبارزه انقلابی آنها ، آبدیده شده و در دو سال اخیر با بسیج و حمایت توده های ارتقا یافته است . خلق نیکارگونه دریک جبهه

میشد ، ترس از گرفتارشدن به آتش خشم و غضب تودهها ، توطئهگران و دسیسه - چینان را از حرکت باز می داشت .

نقش تعیین کننده پرسنل آگاه و مبارز ارتش

مهمتر از همه اینکه برستان ، سارز و آگاه ارتش دیگر زیربار اطاعت کورکورانه و قتل و غارت هم سنبهان خویشی نمی - رفتند . آنان به هیچ قیمتی حاضر نبودند رودزوی مردم قرار بگیرند . قطنامه ۴ درجه داران نیروی دریایی رشت ، هنگامی که فرماندهان ارتش سفول اعطای درجه و نشان و دلگرم کردن و آماده نمودن نظامیان برای استفاده از آنها نبودند ، از گویاترین نمونهها در این مورد است : " ما بدین وسیله اعلام می داریم تحت هیچ شرایطی به روی مردم منکبت آتش نگذوده ، و به هیچ عنوان در کشکتهای درون مرزی دخالتی نکرده و فقط از مرزهای کشور مرزبان تا پای جان پاسداری و دفاع خواهیم نمود . به هیچ وجه و عنوان و تحت هیچ شرایطی اجازه نخواهیم داد شوراهای یادگانی ننویسند . زیرا معتقدیم در صورت نبودن شوراهای اطاعت کورکورانه و ظلم و ستم دوران طاقت دویاره احیا خواهد شد "

سیاستهای گذشته دنبال می تون

مقام های تصمیم گیرنده در سطح ارتش و بطور مشخص فرید رئیس ستاد بعدی ارتش ، در مواجهه با ناراضیهای فراوانی که این اولین آزمون ارتش ایجاد کرده بود ، تاکنکت تازه ای بکار بستند . بدین ترتیب که بجای قراردادن یکباره ارتش در برابر مردم ، می توان آنها را پشت سر پاسدارها که از وجهه و حیثیت بیشتری بین مردم برخوردارند ، پنهان کرد . تجربه نشان داده بود ، کینه های که مردم از ارتش بدل دارند ، عمیقتر از آنست که باین حدگی از بین برود ، از طرف دیگر اعدام های انقلابی اوایل پیروزی ، مخصوصا " در مورد فرماندهان و نظامیانی که دست خود را به خون مردم آلوده کرده بودند ، تنور انقلاب را گداخته نگه می داشت و مانع از توطئه های جدید

کلیه پیشهوران ، کارمندان ، مستخدمین و استادکاران بدون هیچگونه محدودیتی حق دارند آزادانه اتحادیه صنفی خود را تشکیل دهند ، و این حق آنان تضمین خواهد شد . حکومت سانسونیستی اتحادیه ها را تشویق خواهد کرد ، تا از این طریق کارگران و زحمتکشان بتوانند از دستاوردها و حقوق خود دفاع کنند . " در مورد سایل منطقه ای و محلی " اهالی محل مشکل خواهند شد و خود به تمام مسائل مربوط به محله " خود خواهند پرداخت "

در ایران با وجود طرح شوراهای طرف آیت الله طالقانی و حکم امام خمینی در این مورد ، بر سر اجزای آن کارکنی صورت می گیرد و می رود به بونه " فراموشی سپرده شود . و حتی در جاهایی که بوجود آمده است در خطر تعطیل قرار گرفته است .

ریشه ضعفهای دولت موقت ایران فضاوت در مورد آینده " نیکارگونه همچون قضاوت برهر جامعه دیگری به سبب پیچیدگیهای خاص جوامع بشری مشکل است . اما با توجه به قانونمندیها و تجارب انقلابی خلق های دیگر در موقعیت های انقلابیشان ، میتوان گفت که تصمیم گیریهای دولت انقلابی سانسونیست سرنوشت ریشتری را برای خلق نیکارگونه بارمان خواهد آورد . سرنوشتی که چه بسا خالی از نوسانات و کششهای ناموزون وقایع ایران خواهد بود . رهبران سانسونیست گویی با روشن بینی طریقی واقع گرایانه را انتخاب کرده اند ، طریقی که در دوره چندین سال مبارزه انقلابی آنها ، آبدیده شده و در دو سال اخیر با بسیج و حمایت توده های ارتقا یافته است . خلق نیکارگونه دریک جبهه

و فرایندهای هستیم که حسی دارند ، رمنه های روبرویی ارتش با مردم را فراهم کنند . حسی می شود با جلوه دادن خواسته های خلق ها بحورت تجربه طلبی و غیرقابل حل جلوه دادن مسأله ملتپنا ، چنین وانمود کنند که یک ارتش قوی و بزرگ می تواند این مشکل را یکبار و برای همیشه حل کند . با منطبق آرزوهای مردم و چنین می نمایانند که گویا منطقی چیر چاقی ندارند .

ارتش صحنه های جدید میافریند

از طرف دیگر با پافشاری و پایداری که خلق ما برای حفظ دستاورد های انقلاب و پابسی گریستن پایگاههای امپریالیسم و عبقرانند او از اسیران بین مردم دارند . از اصطکاک و برخورد بین مردم و ارتش صحنه هایی بوجود می آید که شباهت بسیاری با دوران قبل از انقلاب دارد . از آنجمله آیتادگی مردم کامیاران در برابر نانکها ، ونشستن آنها در مسیر حرکت زرهیو تنها ، و آمادگیشان برای پذیراشدن مرگ ، بنحو شکست انگیزی خارطه ۱۷ شهریورها و از جان گذشگیهای مردم قبل از انقلاب را رنده می کند . متأسفانه شواهد تازه نبر نشان می دهد که این عملیات نه برای مانور و ترساندن مردم (که البته این هم خود بسیار جای حرف دارد) بلکه این دخالت شوم و بدفرجام هر روز ایضا د وسیتمری می باید ، و خطر برخورد های تازه تر و بیشتر را افزایش می دهد . جا دارد که مقام های مسئول هر چه برعکس تر و صریحتر نظر خود را در برابر خواسته های مشروع خلقها بیان کنند . و نیز شخصی کنند و وظیفه ارتش در جمهوری اسلامی چیست ؟ و یک کلام اینکه آیا هنوز حق کشتار مردم بیگناه برای آن محفوظ است ؟ گرچه تا بحال تمام شواهد و دلایل حکایت از تأیید ضمنی این امر دارد . چرا که این سوالات برای همه مردم و نیروهای انقلابی مطرح است که آیا خلقها دوباره قربانی سفاکبهای ارتش خواهند شد ؟ آیا در قبال آنها نار هم باید از همان شیوه های آریامهری بهره جست ؟ آیا نظامیان و پرسنل ارتش حاضرند دوباره دست خود را به خون هم میپنهان خویش بنالینند ؟ آیا فرماندهان و زنیالهای جدیدارتش خارطه دادگاههای انقلاب را فراموش کرده اند ... به هر صورت وضعگیری های ارتش در رابطه با خلقها و بطور خاص در مورد ساله فعلی کردستان مهمترین است عین کسده ترین صحنه آزمایش است برای حقانیت یا عدم حقانیت ارتش جدید ، و بهترین محک است برای مردمی بودن یا عدم مردمی بودن آن .

هستیم ، دولت دائما " از فشار نیروهای گوناگون در شکایت و عذاب است . نیرو - های که انحراف از انقلاب و اجتناب و فرار از روبرویی با دستن اصلی را نمی پذیرند . تنها یک هفته پس از پیروزی در مطبوعات نوشته شد " نیروهای انقلابی دولت را تحت فشار قرار داده اند " (اطلاعات ۵۷/۱۱/۲۹) و با رئیس دولت موقت اعلام کرد " مردم باید به دولت مهلت بدهند " (اطلاعات ۵۷/۱۱/۲۳) گروههای افراطی جلو کار دولت را می گیرند " (آینسنگان ۵۷/۱۱/۲۹) مطالب بالا نشاندهنده بقیه در صفحه ۹

هدف از تشکیل

بقیه از صفحه ۱

● آن تصمیمی معتبر است که از تأیید و حمایت شورای پرخودار باشد.

بحق نظارت بر تهیه و تولید و توزیع و قیمت گذاری:

میدانیم که در اسلام اقتصاد و معاش وسیله است اما وسیله ای لازم و ضروری در رده های مختلف و رشد و شکوفایی و بزرگبختی های انسانی. در جهت خلیفه الهی شدن. در حالیکه سرمایه دار بنابر نیاز جامعه و اکثریت محروم آن سرمایه گذاری نمیکند، بلکه بنا به اقتضای منافع خود سرمایه گذاری کرده و تولید میکند. مثلاً صنعت مونتاز برای سرمایه دار مصرف تراست، ولی برای کشتور و ضعیف ترین اقشار جامعه بیابار است. و دلیل آن خیلی ساده است، چون قیمت های حاکم بر این منابع مونتاز تابع بازار جهانی است و بازار جهانی در خدمت امپریالیسم جهانی است و آنها تولید و قیمت را بنوع خود و نظام مصادراتی سرمایه داری تعیین میکنند. و این حق طبیعی و مسلم کارگران و کارکنان کارخانه ها است که مانع از استثمار خود و سایرین شوند، و در نظارت و هدایت تولید شرکت نمایند. همانکه تابع منطق سرمایه داران است که میگویند تو کارت را بکن پولت را بگیر و کاری به این کارها نداشته باش. در نتیجه انسان رحمتکش را به میرمای تبدیل کنند. این حق است که سودی که در اختیار کارگر نمیکند، او به سهم خود سرمایه دار یا سودی که مواظبت بیشتری نشان میدهند. در حالیکه خود را با دردست گرفتن این قدرت یک اقتصاد ملی و مستحکم را پایه ریزی میکند. البته نقش هماهنگی بین انواع تولیدات و نحوه توزیع و رابطه قیمت ها و هزینه های عمومی با دولت است. این نظارت کارکنان حل کننده بخشی از آن هماهنگی است که یا توجه به شکل فعلی مدیریت بر کارخانجات الزامی و ضروری است. و منفع رحمتکش و مستضعفان جامعه ما میسازد. ثوراهما همین نظارت بر توزیع کالاها و قیمت گذاری منطقی و عادلانه کالاها را بر اساس احتیاجات بخشهای مختلف مملکت چه روستا و چه شهر برعهده میگیرند. و از قیمت های عادلانه دفاع میکنند و با کرایه های نفع طلبانه در توزیع مبارزه میکنند البته در قسمتهای دیگر خواهیم گفت که ارتباط بین ثوراهما در امر کشتور و ایجاد هماهنگی لازم جز وظایف ثوراهما نیست. نکته ضروری در زمینه نظارت بر تولید و توزیع اینست که منظور از نظارت حق کنترل است، یعنی که هر تصمیم گیری موقتی معتبر است که از تأیید و حمایت ثوراهای کارکنان برخوردار باشد.

● حق انتخاب و نظارت بر امور اداری و مدیریت:

نظری اجمالی به وضع مدیریت در کارخانجات ما را به اوضاع انگلیسی آشنا میکند. دستگاه های عربی و طویس اداری و میندالی آن کاغذ بازی و رنجست و بازنه های بنمورد و بنام و... که همعانتی نه تنها امکان رشد یک مدیریت صنعتی سالم را از بین برده بلکه ترمز بزرگی برای صنایع مانند هاست و زورگوشی و احیای ورشو خواری و در نتیجه وابستگی به کشورهای امپریالیستی را بدینا آورده

است. مهربان با پدایان زمان دادن نیروها در یک کارخانه از استعداد های مختلف در جاهای مختلف استفاده کنند. نه اینکه حاکمان مطلق العنان و ایجاد کننده روابط ظالمانه و ضد انسانی باشند. و منافع سرمایه داران وابسته به امپریالیسم را که کارگران شهرکشی بیشتر از کارگران محروم میباشند است تا منافع کنند. همین مدیران وابسته و نمایندگان کارفرمایان بودند که در کارخانجات شیوه های امپریالیستی و روشهای ضد مردمی رژیم شاه را اعمال میکردند. اداره حفاظت و توتوی کارگران خیرجس و ایجاد فاصله شدید بین کارگر و کارمند از نتایج آن نظام بود.

قدرت طلبی و انحصار طلبی که اصول مدیریت و استعانت، شیجهای جز تترکز ناچای تصمیم گیری در دست مدیران بدون صلاحیت نداشت. که اغلب آنها را بین افراد وابسته به رژیم خونخوار پهلوی انتخاب میدادند. در بسیاری از کارخانجات نجات هنوز تعقیبه کامل صورت نگرفته و تنها با تغییر رنگ و با اصطلاح حمایت از رحمتکش به عوض خدمتی خود ادامه میدهند. لذا این خطر هست که اقتصاد ما در جهت انقلاب حرکت نکند و با اینکه مانند گذشته کارکنان کارخانجات و مجتمع های تولیدی کار را از آن خود نداشتند. در نتیجه نوبت به تولید و رشد آگاهی و حرفه ای شدن بی تفاوت میمانند. لذا از بین بردن نظام ظالمانه گذشته در کارخانجات و کمک به ایجاد روابط سالم در کارخانه ها برای بالا بردن تولید و رفاه کارگران، در صورتی امکان دارد که انتخاب مدیران با نظر ثورای کارکنان باشد. همچنین این ثورای بر نحوه کار آنها نظارت داشته باشد. تا هم در تصحیح شیوه مدیریت گذشته نقش خود را ایفا کرده باشد و هم جلوی سوء استفاده های احتمالی در مدیریت گرفته شود. و هم تفاهم لازم بین مدیریت و کارگران ایجاد گردد.

● حق نظارت بر تعیین دستمزد و درآمد و امور رفاهی:

همانطوری که گفتیم منافع طلبی روح حاکم بر سرمایه داران است. بسیاری از این مسائل با او اختلافاتی که در زندگی امروز انسانها دیده میشود. ناشی از همین سیستم سرمایه داری است. این نظام با عت بوجود آمدن این روحیه در دیگر اقشار جامعه نیز گردیده است. در واقع خطری است که انسانیت را تهدید میکند. بقول برادر شهیدمان محمود عسکری زاده:

" سیستم سرمایه داری بزرگترین سد راه تکامل یعنی سد راه خداست. (الذین یحسدون عن سبیل الله...)"

بزرگترین خدمتی که متوانیم به بشریت بکنیم، اینست که نه تنها سیستم استی که در آن عده معدودی مالک ابزار تولیدند و با تقسیم جامعه بدو دست فقیر و غنی، نه تنها خود در مسیر آفرینش کام برنمیگردانند، بلکه از رفتن دیگران هم جلوگیری میکنند. "

کارگران و سرمایه داران وابسته همیشه سعی برای این داشته اند که مزد کارگر را فقط بر اساس میزان بخور و نمیر تعیین کنند. در حدی که از یک طرف کارگر نتواند با مزد کم کار کند تا در کارکنان سرمایه داران به ترو تروهای انباشته تر، دسترسی پیدا کند. و از طرف دیگر نتواند سرمایه داران را زود ببرد و روزهای دیگر مجبور باشد کار کند. در زمینه مزد و حقوق چون برادران و خواهران کارگرانتان از هر کسی دیگر به این امور

هستم. و نظارت بر تعیین آنرا حق ثورای کارکنان میباشد. با ارزش کار در رابطه میسازد و حوصله آن سخته شود در واقع همان بیان قرآن میباشد:

" کس لئلا نسان الا ما می " (هر کسی صاحب دستمزد خویش است) می بایست مبنای تعیین دستمزد قرار گیرد. این حق مسلم و اصلاحی زمانی ممکن میشود که ثورای کارکنان ناظر بر تعیین مزد باشد. تا از یک طرف حقوقی از دست رفته کارگران را به آنها برگرداند. و از طرف دیگر اجازه ندهد تا بعضی مفتخوران و وابستگان به سرمایه داری جهت بدون کار مفید دستمزد کارگران را جیب بزنند و آن را مصرف میگویند و توجیه میسازند. همینطور در مورد سایر درآمدها و

گزارشی از اردوی عمرانی - آموزشی روستای "بوقندا کنده" با زوان توانای جوانان پر شور هرگونه ستم و نابرابری را از میان میبرد

بوقندا کنده روستائی است در ۳۵ کیلومتری جنوب غرب زنجان در مسیر جاده "سجرا و در مجاورت روستای گل تپه. این روستا که در میان روستاهای اطراف خود از اهمیت و آبادی بیشتری برخوردار است عملاً "حالت مرکزی نیست به روستاهای اطراف پیدا کرده است راهی که این روستا را به شهر متصل میکند راه صفت العبوری است که در زمستان بجز با چارباها و تراکتور قابل عبور و مرور نیست این روستا حدود ۲۵۰ خانوار و ۲۵۰۰ نفر جمعیت دارد که میمانند سایر روستاهای مینهمان از شرایط اقتصادی، اجتماعی و تناسی برخوردار نیست. مسأله جبر و ستمی که به بین وجود حکومت آریامهری بر طبق ستمدیده، مارتفاست در این روستا بنحو چشمگیری خود را نشان میدهد.



این همه تا مسأله ای را در پیام بهر حال بدلیل مسئولیتی که بر عهده همه برادران است، اوضاع روستای فوق مورد توجه قرار گرفت. و مقدمات ساختن یک مرکز بهداشتی روستائی فراهم گردید. از حدود ۴ ماه پیش ساختمان آن مرکز شروع شد. از حدود ۵۰ روز پیش که اقدام به تشکیل اردوهای عمرانی نمودیم حدود ۲۵ نفر از برادرانی که در این اردوها شرکت کرده بودند، برای تکمیل ساختمان و همکاری با سایر برادران به روستای بوقندا کنده اعزام داشتیم. تا فعالانه در جهت اتمام ساختمان بکوشد. در حال حاضر کارهای زیر سازی ساختمان پایان گرفته و فقط بخشی از کارهای روستائی از قبیل کاشی کاری و تا مسیاتی از قبیل لوله کشی و برق کشی باقی مانده است. بقیه در صفحه ۴

مزا و امور رفاهی ثورای باید نظارت مستقیم داشته باشد. و ضوابطی برای این کار تعیین کند. تا هرگز، بر اساس میزان فعالیت جسمی که در تولید داشته شود پاداش و مزاها گردد. تنها در این صورت است که متوازن جلوی جیبا و لکری های انگلیهای حیره خوار وابسته به سرمایه داری و امپریالیسم را در تمام اشکال آن گرفت. و وظیفه رفاه بخشی به مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی کارکنان یکی از اساسی ترین هدف های ثوراهای بالا بردن و رشد آگاهی سیاسی اجتماعی و عقیدتی کارکنان است. این وظیفه مقدس بخصوص در این مرحله از انقلاب ما و سوا توجه به آثار سوء دوران استبداد گذشته از اهمیت زیادی برخوردار است. از طرفی بایدست حیران عقب ماندگی های فکری گذشته را نبود. و از طرف دیگر برای ادامه مبارزه ضد امپریالیستی از هر لحاظ مجتهد شد.

باید از گردن کلاهای آموزشی سیاسی و ایدئولوژیک، مخصوصاً با تشکیل انجمن های فرهنگی و تربیتی و فرهنگی و تئاتر، فیلم و اسلاید، چاپ و پخش اعلامیه و پوستر و کتب مفید در میان کارکنان - بایستی آگاهی آنان را به سطحی برساند که راه اصولی و صحیح خود را از میان جریان های فکری موجود تشخیص دهند. ضرورت رسیدگی به این مسائل در این شرایط که افکار استرجافی سرمایه داری بزرگ در اشکال مختلف سعی در انحراف کشاندن مبارزات کارگری دارند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

بسیار با توجه به ایدئولوژی، روستاهای کنار نباید تنها به عطا یابی حرکت جامعه باشد، بلکه علاوه بر آن باید در جریان های سیاسی - فرهنگی جامعه نیز نقش داشته باشد. بطوریکه در پیرو خود به آن حد از صلاحیت برسد که ادار کننده محیط و جامعه خود شود. در نتیجه مینهمان اندازه که کارکنان چرخ اقتصاد جامعه را میگردانند باید در سرنوشت سیاسی جامعه نیز نقش فعال ایفا کنند. و اگر امروز چنین شرایطی فراهم نیست، باید در کوشش اجتماعی خود، زمینه را برای رشد و بالندگی رحمتکش فراهم کنیم. ثوراهای کارکنان ضمن ارائه جهان بینی توحیدی بعنوان جهان بینی جامعه مستضعفین، تلاش میکنند تا کارگران را به حقوقی چنانچه شان که از بی نظری ایدئولوژی آتل مجبوسه شنا کنند. تا از راه مسائل سیاسی جامعه شان آگاه سازند. رسالت و مسئولیت تا میا در زمینه پیاده کردن حقوق عدالت نشان دهند. و رابطه مستضعفین را با استقرار جامعه بی طبقه توحیدی روشن سازند. از نظر سیاسی نیز ضرورت های انقلاب ضد امپریالیستی مردم ما، طبیعتاً تشکیل آگاهانه و رنجبران را لازم دارد. این مسئولیت با آگاهانه با آگاهانه در جهت پایداری گذاری صنایع ملی کام برادران، و در زمینه زمینه تلاش کنند که رگ های وابستگی به امپریالیسم را بشناسند و راه مقابله صحیح با جهان خواران بین المللی را در کف کنند. و آگاهی سیاسی لازم را برای استقرار مبارزه داشته باشند. ثوراهای روستائی مسئولیت و وظیفه بوده های و صدا میرساند لیبیتی خود نقش اساسی باید بازی کنند.

موضع مترقی و.....

بقیه از صفحه ۱۲

در اتحادیه میباید ..

فصل دوم - ارکان اتحادیه :

الف - مجامع عمومی نمایندگان

شوراها

ب - شورای مرکزی

ج - هیئت اجرایی

د - بازرسی

ه - مجمع همگانی اعضا

فصل سوم - مسائل مربوط به انحلال

اتحادیه

همانطور که اگر اسکلت دستگاهی

مقاومت لازم را نداشته باشد در هم می

شکند ، اگر اساسنامه ای توانایی مناسب با

هدفهای شورا یا اتحادیه را نداشته باشد ،

در هم ریخته و به ماملی دست و پا گیر تبدیل

میشود . به عبارت دیگر شکل و محتسوی

اتحادیه بایستی هماهنگ با رعایت

نقشه قوت این اساسنامه رعایت

سازگاری است که در طرح هر تشکلات متر

قی و انقلابی باید به آن توجه داشت

۱- مواد اساسنامه ضامن حاکمیت تمامی

اعضا از پایش به بالا ، در تصمیمگیریها

میشاند . مثلا در مواد ۱۲ ، ۱۵ ، ۱۶ ،

۱۷ و ۱۹ با واگذار کردن نقش اصلی و

تعیین کننده به بنده مجمع عمومی

دیوکراسی لازم ناسن شده است .

۲- از گنجاندن مواد دستورهائیکه

حالت شریعتی ، چندپهلوی غیر ضروری

دارد ، خودداری شده است . بطوریکه ما
برقراری یک رابطه فعال و کارکنیک بین
ارکان مختلف و کارکنان جایی برای بر

دانشهای انحرافی مافی نمیگذارد .

سؤال اساسی

اساسنامه با نقاط قوت آن تا چه حد

در عمل هدفهای اتحادیه شوراها را تأ

مین میکند؟ این را آینده مشخص خواهد

کرد . برخورد های فعال و مسئولانه ارکان

مختلف اتحادیه ، بپای بند بودن آنها به

هدفهای فوق و محتسوی فطنانه و هو

تباری آنان در عمل ، ضامن اجرایی آن

است .

پرسی قطعنامه اتحادیه شوراه

قانونی بودن شوراه در مبارزات

خونبار مردم تثبیت شده است

قطعنامه اتحادیه به نام خداوند

در هم کوبیده سنگران و با دورد به

روان پاک شهیدان راه حق و آزادی

شروع میشود . سپس در ۱۹ ماده ،

خواستهای اساسی اتحادیه سراسری

شوراهای انقلاب اسلامی کارکنان

بطور خلاصه و بدینصورت آورده شده

است :

۱- تأیید رهبری امام و سیستم

حاکم (ماده ۱) و محکوم کردن

تلاشهایی که در جهت تضعیف اتحادیه

با شوراها است (ماده ۲)

۲- محکوم کردن تفرقه افکنی در

میان کارکنان کارخانجات از طرف هر

گروه یا دسته (ماده ۳) امید است
نمایندگان اتحادیه با تکیه بر وحدت
اجتناب از تفرقه ، محطوف خود را منز
کرده ، با صبر و انعطاف و گذشت
هرچه بیشتر از کنار مسائل حاشیهای
و کوچک بگذرند . و بخاطر تحقق
اهداف فرمهای و آرمانی خود به تا
تصادفهای فرمهای کشیده نشوند . با
درویشان به روان پاک شهیدان راه
حق و آزادی از سر صدفات و برای
پاسداری از میراث خون شهیدا باشد

میدانیم که همین شوراها جزئی از
میراث فدakarهای آنان است .

۲- حاکمیت کارکنان بر سرنوشت

سایسی - اقتصادی و اجتماعی خویش

با اجرای موارد ذیل :

الف - خواست کارکنان دایر بر

برسبست شناخته شدن این اتحادیه و دیگر

شوراها از طرف دولت (ماده ۴) - هر

چند که بنا به قول نمایندگان اتحادیه ،

قانونی و مشروع بودن اتحادیه و شوراها

در مبارزات خونبار مردم تثبیت شده

است . همانگونه که جمهوری اسلامی

فصل از حقوق رژیم شاه با مبارزات

خلق تیرمان از برای قانونی شد

ب - نظارت و شرکت کارکنان

در امر مدیریت شرکتها و مشارکت

نمایندگان اتحادیه در تعیین خط

مشی و برنامه ریزی فعالیتهای سازمان

گسترش (مواد ۵ و ۸) -

ج - تصفیه سازمان گسترش از عوامل

د - تأمین حقوق مساوی در

شرایط کار مساوی برای زنان و مردان ،

تجدید نظر در قانون استخدام کتوز

و اساسنامه سازمان گسترش ، و مشارکت

نمایندگان واقعی اتحادیهها و شوراها

در تدوین قوانین جدید کار و تأمین

اجتماعی . و نیز ملی کردن واقعی

صنایع و صادره سهام شرکت های

وابسته به امپریالیسم (مواد ۱۱ ، ۱۰ ،

۱۹ ، ۱۰)

ب - حق نظارت و تأمین حقوق

صلی و رفاهی کارکنان بویژه کارگران ؛

الف - تشکیل هر چه سریعتر

کمیسیونی با شرکت نمایندگان اتحادیه ،

در سازمان گسترش برای بررسی امور

مالی ، فنی و پرداخت حقوق عقب

افتاده کارکنان کارخانههایی که بملی

در حال رکود هستند . و راه اندازی

جدد و کامل آنها (ماده ۶)

ب - افزایش میزان سرخصی

استحقاقی کارگران به سطح سرخصی

کاررندان . فراهم کردن تسهیلاتی

نظیر ایجاد مهد کودک در کنار کارگاهها
و نقلی ساعات کار به چهل ساعت
در هفته ، و حداکثر روزی شش ساعت
در محیط های آلوده و بربمخاطره ، با
داشتن اولویت این قبیل کارکنان در
تسهیلات رفاهی و درمانی (مواد ۱۳ ،

۱۴ ، ۱۵)

ج - تدوین هر چه سریعتر آیین نامه

های مربوط به رسمی شدن کارکنان ، و

تأمین حقوق کارکنان پرورهای و موقت

بسر منبای تصد ایجاد کار ، با حفظ

سابقه خدمت از نظر بازنشستگی و

حقوق ایام بیماری . همچنین تأمین

خدمات بهداشتی و درمانی مجانی و

سایر مسائل رفاهی برای کارکنان و

خانواده آنها و استقرار نظام بازنشستگی

عادلانه با توجه به مخاطرات کارگاهی

(مواد ۱۲ و ۱۷)

د - برقراری یک سیستم جدید

ارزیابی حقوق و دستمزد برای تعدیل

آنها در سطح کتوز ، و منطبق ساختن

حدافل دستمزدها با سطح تورم ، و

افزایش هزینه زندگی . در شرایط کتونی

افزایش حدافل دستمزد پایه کارکنان به

۲۵۰۰۰ ریال و حداکثر حقوق و برما

به ۱۵۰۰۰۰ ریال (ماده ۱۵)

ه - تأمین کس کارکنان بویژه

کارگران با پرداخت حق کتوز . همچنین

رسیدگی فوری به وضع کارگران معلول

و از کار افتاده ، و بهبود هر چه سریعتر

شرایط نامطلوب و غیر انسانی آنها (مواد

۱۶ و ۱۸)

مصابحه مطبوعاتی در ستاد جاما

جاما : حکومت برای مردم نه ، حکومت بوسیله مردم آری

نظام شورایی سیستم انقلابی اداره جامعه

مصر پنجشنبه ۵/۹ را در خانه یکی

از پیشقدمان وحدت نیروهای مترقی

مسلمان یعنی "جاما" دویم . جنس

انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما) در

حق تشکلت طوعمانی نظارت شورایی

قتال قانون اساسی و مجلس خبرگان اعلام

داشت .

آقایان دکتر ساری ، دکتر نظام

الدین قهاری و مهدی سگری از شورای

مرکزی جاما پیرامون قانون اساسی و مجلس

خبرگان از نظر جاما صحبت کردند . در

این سن جزوه و کتابی حاوی نظرات جاما

در این زمینه پخش شد . دودر پایان سه

سوالات خبرنگاران پاسخ گفتند .

با توجه به آنچه گذشت به بررسی

کلی محتوی و اساسی مرام و طرح نظام

شورایی مطالبی جهت تبیین انقلابی مردم مسلمان

ایران میردازیم . البته برای آشناسی

بیشتر با این مرام مترقی که این دستور

کنجایش آنرا ندارد توصیه میکنم کتاب

نظام شورایی و جزوه جاما در این زمینه

را مطالعه کنید .

حتی در مخاسیای گذرا بین پیش

نویس قانون اساسی ، و طرح نظام شورایی

جاما ، آشکار است که گانه بدانی شرکت

جاما در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی ،

بخاطر تقویت نکات مثبت احتمالی و

زدودن جنبه های منفی و مبهم آن است .

و این درایت همان چیزی است که دکتر

ساری در پاسخ یکی از سوالات ما بیان

تصریح کرد .

با توجه به آن درجه از ترقی خواهی

که در طرح نظام شورایی جریان دارد که

نهی کشنده پیش نویس از طرف جاما با سر

جنبه انتقادی آن شدیداً می چربد .

۱- محدود کردن اختیارات هیئت

حاکم ، در سطح همگنی تصمیمگیری

های شورایی مردمی

۲- قطع ایادی سرمایه داری وابسته

و کلی کردن اموال مردم یعنی واقعی

۳- توزیع عادلانه ثروت های عمومی

بعد از برآورد ساختن سازهای اولیه

مخرومان جامعه

۴- شورایی کردن تمامی رسانه

های گروهی ، به دور از نفوذ و قدرت

نظام حاکم

۵- آزادی همه افراد ، گروهها و

سازمانها در بیان عقاید خود ، صرف نظر

از مرام ایدئولوژیکنان

۶- رفع نکات گنگ و قابل تاویل

و تفسیر پیش نویس قانون اساسی

۷- پیروی از سیاست عدم تبعیذ

معنی پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش

حلقهای جهان

۸- نقشی صرفا دفاعی و بیرون

بروزی بر اساس منابع واقعی مردم برای

ارتش قائل بودن

۹- انگشت گذاشتن روی اسلامی

عاری از خصائص ارتعاشی تشخ صلی

پیشقدمانی از این نوع همواره

به معنی جنگ ایدئولوژی با کلوزامیربا

لسم و ارتجاع با انگا ، پیروی توده های

مرد و وابها گیری از ایران با رشتن است .

سلم است که میانجیانواران بین

المللی و در ایران امپریالیسم برکنار

برایر تدوام انقلاب در ایران واکنش

نشان میدهد . و اکنون نیز با شدارکی

و شیعی علیه انقلاب ایران به سازداری

ارگانهای اطلاعاتی ساواک ، اداره ممتد و

دخالتهای دیگری متعاهد آن مستم

مشغول است .

تجربه علینا بویژه خلق شیلی

نشان داد که سا (سازمان اطلاعاتی

و پاناسیاری

دیگر در بطن خود دارد . کما اینکه

تخریبها ، تشریبات و باخوشیهای جاما

حول مرام محورها دور میرد .

۱- مرام مترقی جاما در قانون اساسی

مورد نظرس مارت است :

۱- محدود کردن اختیارات هیئت

حاکم ، در سطح همگنی تصمیمگیری

های شورایی مردمی

۲- قطع ایادی سرمایه داری وابسته

و کلی کردن اموال مردم یعنی واقعی

۳- توزیع عادلانه ثروت های عمومی

بعد از برآورد ساختن سازهای اولیه

مخرومان جامعه

۴- شورایی کردن تمامی رسانه

های گروهی ، به دور از نفوذ و قدرت

نظام حاکم

۵- آزادی همه افراد ، گروهها و

سازمانها در بیان عقاید خود ، صرف نظر

از مرام ایدئولوژیکنان

۶- رفع نکات گنگ و قابل تاویل

و تفسیر پیش نویس قانون اساسی

۷- پیروی از سیاست عدم تبعیذ

معنی پشتیبانی از جنبشهای رهایی بخش

حلقهای جهان

۸- نقشی صرفا دفاعی و بیرون

بروزی بر اساس منابع واقعی مردم برای

ارتش قائل بودن

۹- انگشت گذاشتن روی اسلامی

عاری از خصائص ارتعاشی تشخ صلی

پیشقدمانی از این نوع همواره

به معنی جنگ ایدئولوژی با کلوزامیربا

لسم و ارتجاع با انگا ، پیروی توده های

مرد و وابها گیری از ایران با رشتن است .

۷/۵ کار می کنند پس از یک استراحت

نیم ساعت در سایه و شستن دست رو

مجدداً ساعت ۸ به کار می پردازند و تا

ساعت ۱۰/۵ به کار مشغولند . بعد از ظهر

برنامه های آموزشی اردو جریان دارد ، که

تا نزدیکیهای غروب ادامه می یابد ، به

تدریج آفتاب پنهان می شود ، صدای

دلنشین آذان بگویی می رسد . سفزه ها

و طرفها و ... پیمان می آیند . و بچه ها

همه باهم افطار می کنند و نماز جماعت

بتدریج به ساعت ۱۰/۵ نزدیک می شوم ،

ساعت سکوت و خاموشی فرامیرسد . بچه ها

بتدریج می خوابند و برادرانی که در سایه

شب پاسداری از سایر عزیزان را بعهده

دارند ، کارشان آغاز می شود .

به امید روزی که با بازوان توانای

این جوانان هرگونه مست و پاناسیاری

از میان برود .

عزیزان استوار و خدایا بران باد .

آیا فیلم ...

بقیه از صفحه ۱۵

افول ایران که عجلانده سعی

در تحکیم موقعیت خود دارد

دست از مرام خود برنخواهد

داشت ، منتها باید دید آیا

میتواند نتیجه یونان با سایک

کودتای خد شیمیستی حتی برای

چند سال نیروهای و انقلابی و

مترقی را از میدان بدر کند؟

پسنا برای این اگر دیوینا آن آینده

عغقان بود و فدا روگتسار ردر

ایران آن آینده غرض خود میبند

و طغیان و یک مبارزه غویسین

و میرزمانه ، و بسپمین دلچ

روح حاکم در نظرگاه‌های مادر موریدیک

قانون اساسی طراز مکتب (اسلام) (۴)

در بحثهای گذشته روشن کردیم که هر ستم‌سومعه و مغفولی دارای روح و جوهری است که تمیز کننده، کسب و بزگی‌ها، مشخصات، کارکردها و سمت و جهت حرکت آن ستم می‌باشد. همان روح آن ستم‌سومعه که یکپارچگی کل سیستم را در آن می‌توان یافت - پس برای درک درجه عصمت مجموع - ستمی به روح و جوهر نظام مورد نظر دست باید زد. همچنین در بحث گذشته با اشاره به مقصد و چشم‌انداز نیایش یک ستم، به ملاک و معیار رسیدیم که به مثابه یک کمال مطلوب اجتماعی می‌تواند درجه خصایص و امثالت مکتبی در ماده قانون و یا هر قدری را که در جهت تسخیر و قانون اساسی برانداخته شود، از سیاسی کند و ترقی یابد و با ارتجاعمی بودن آنرا بارشاند.

موضوع ایدئولوژیکی اخس خودمان اشاره کنم. از سوی دیگر در کانون هر فلسفه و ایدئولوژیکی، یک هسته فلسفی قرار دارد که تمامی فلور او آن سرچشمه میگردد. پس بایستی توضیح بدهیم که از کدام درجه فلسفی به مسائل منکریم: درجه و دیدگاه فلسفی ما واقع - گرائی توحیدی است. همان دیدگاهی که سرانجام به انکس آن به استناد از پیش-پس فانون اساسی موجود در اراده نقطه نظرهای خود پرداخته‌ایم. دید - گاهی که بر اساس آن پاسخهای قرآنی مشخصی به مهمترین مسائل ایدئولوژیکی یعنی وجود انسان و اجتماع داده شده است.

بدینوسیله است که پاسخ مسائل فوقی که اساسی ترین مسائل فلسفه و ایدئولوژی محسوب میشوند، بسته به هر فلسفه و مکتبی متفاوت است. اما در اینکه این پاسخها اساس هر مکتبی تشکیل میدهند هیچ تردیدی در روانیست. زیرا همانطور که قبلاً گفته شد کلیه دیدگاهها، مواضع و ارزشهای موجود در کادر یک سیستم انتقادی، دقیقاً از فلسفه آن سرچشمه میگردد.

توحید در بعد انسان شناسانه آن - انسان از کرامتین مخلوقات خدا (ذات کامل بشری و انسانی است. بدلیل آزادی و آگاهی، مسئول و متعهد است که در پیمانهای حرکت تکاملی جهان، با اراده و انتخاب خود، این مسیر پریچ را در پی گیرد. و برپایه فایده آن، تسخیر این موجود و تبدیل آن به انسان حقیقی نماید. و برپایه هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار و جنگ فرارند. همان چسب - انداز تابناکی که تنها حاکمین را وارت نهائی زمین خواهند کرد.

که در ایران ستم‌سالاران انسان از انسان را حل کرده‌اند ۱۱ اما چه کسی ستم تاخیر این ؟ خویشهای ستمند قرار می - گرفت ؟

مثال جدیدتر - دیدگاهها و باطل - های خود میوزوئی خلق عدالت - اجتناب و مخالفت سرمایه داری و مدهی نفسی ستارند. اما به تجربه اثبات شده است که راه آنان مالا " از راه سرمایه داری، آسم از نوع وابستگی جداییست و هر ادعای اخلاقی هم که در اس مورد داشته باشند، لاف و زوگرافی بیش نبوده و نه پنا " سرورشی جز این نخواهند داشت (نمونه های مصرع سودان) - بنابراین جامعه عاری از ظلم و استعمار امام زمان (آریان اجتماعی توحید) ارتقا می یابد. بنابراین توحید را وسی متنا دارد. و برپایه این که از هزار و چند قرن پیش بوضوح مشخص و پیشگویی شده است توجه کنیم آگاه و بزگی های مورید و آفرین دستاورد های علمی انجمنی است. پسر در زمینه مسائل اجتماعی - فلسفی (دستاوردهای که بدون شک مغرب - سین شماره و دمای موعود را باید - گاه های اصل انقلابی مشخص کرده است)

۲ - سایر این رسدها و تریاض عیب هیچ مدلی برای جنگ سرد ارتکبی و تجاوز باقی نگذاشته و در تمام عالم صلح و صفا برقرار میگردد. (و بدیهست که چسب تریاضی سازی به ارتقا و دیگر سوی سرکوبگر نخواهد بود. و برآ چنین سر - هائی با برای تاخیر یا به بهترین شکل برای مقابله با تجاوز کارگرفته میشوند - پس. آنگاه خبری تاخیر و جنگا فریبش نیست. اما بازمه دلیلی برای باقی ماندن وجود دارد ؟ در دنیا که همه مردم صلحند. ابزارهای کشتار میزورند دارند. **۵- باقر و ریختن بنای سیم و استعمار**

دختر برای حاکمیت خاص - طبی، نژادی و امثالهم تسخیر حاشی عبادت و جامعه و ادعیهایی تاخیر می شود. این همان حکومت واحد و واقعی است. که دست باسی به فتن باور مکتب مرز بندی های شرک را میسر کرده است. و برپایه قوم گرایی محقق می شود. البته بدینوسیله که حکومت واحد جهانی که همه خانواده بشری را در برگیرد. با غنی جمع انبوه طاووتی حکومت میسر می شود که در اس صورت دیگر در آن زمان حکومت دولتی به معنی حاکمیت عدهای با طبقه ای بر سایر طبقات " مجموعی داشته و تنها نظام شورایی و خودکامی اداره امور. بدون هیچ استیاض خاص در این امر مطرح است.

عرب باقی تفسیرات از تریوروی جامعه - عابد اجتماعی نظیر و تحسنا - سرت، حیات، و ... بودی پیدائی - کرد ولدا را بر ناسی بشری از تر عده ها کینه ها، صاداتها، سو برستی ها - شغف و شهواتها می یابد. ای صمات کسان در کمال تاریخی موضع منحنی میشود در لباسهای منحنی و حلی که ساتهای اجتماعی و فرهنگی - کشته به او برشته اند.

انگیزه برای آنچه فوقاً " کسب - مادیگر و صلی انقلابی، اصولی، علمی - جامعه ای مظلومی خود را که همان سمای مرده است. کمال مطلوب بشری در تمام قرون و اعمار را بدست آورده ام. آری این با همه عهده نیایشی تاریخ و اجتماع است که هم چون منحنی فروزان پیوسته راه هر زمانه حق طلبانه می - نوع انسان نور یافته است. این همان نور عبادتی است که انبیا را تسخیر و تسخیر انقلابی آن راه را یگان فرار ما گذاشته است. همان ترازوی عدل و میزان و ملاک و معیار که در بدانشان نبوت ما از آیهام و کجی در بر سر می یابیم. **۱- تقدیر خلاصه رسلنا و کلمات و انزلنا معکم الکتاب و الیزان لیقوم الناس بالحق و الاحدید فیه بایستند** ... **۲- همانا کبر اولادمان را با نشانه ای آثار که رسالت فرستادیم و میابان کتاب و میزان (ترازو و میزان) فرستادیم تا خلقها آن (عمل صلاح) کند. و فرد فرستادیم آنها (عمل صلاح) را که در آن تریوروی شدیدی تفتتند ...**

آری با اکنون فلسفه را در این راه - حکومت و جامعه فسط با همان جامعه بی طبقه توحیدی که در آن همه نیازهای را برین تریوروی بدستی و تمام و کمال ارامه - تیار. در اس اجتماع بهره کی بقدر نیاز و کفایت میسر و هیچ محدودیت دیگری در کار نیست. ایست مفهوم عدل و عدالت و کوهوند فسط - چیزی در برای عدل و برابری مساوات. مفهومی بنیابت منتهای و مکتبی کارها کننده همه نیازهای کتبی فرزند انسان است که راه داد گوئی را میبوردد.

ارای این دیگر ستم سالاران - عقدهای تحت ستم است که فسط نام کشف انقلابی است. تا حصول بعله توحید و برابری و یگانگی که لاخر مرح فام و سرانجام با تکبیر بر اصلاحی سخت اخس صورت میگردد. بدین ترتیب " جامعه بی طبقه " توحیدی در میان ملاک و معیار موعود نظرگاههای ما در آریایی فانون اساسی است. همچون نور و شعلی که به کشته - تان. از این پستیهای فرزان و هزلان مادرانی مورد باقی قرار داشته باشد. - نور هم میسر (بیاید بدین - روشان فرار راه و پیشانی آنها قرار دارد.) - **۱- این تامل و تأمل واقعی آریان اجتماعی توحید است که با صراحت تمام الفانبار - بی و کامل مالکیت خصوصی و اقتصاد - پولی و تفکر کلاسی را اخلاص میدارد و خط**

مهمترین ویژگی های جامعه بی طبقه توحیدی

ویژگیهای جامعه آریان زمان در آن فرهنگ و منابع مختلف اشباع از هزار و چند عدال بیسی برای یکپنداری است. در قسمتی از پیام تبریک ما همدین برابر به و زمینکاران به مناسبت ۱۵ تمان. به بیان سید کمال آساره همان است. این ویژگیها در اس حال همان اصول اساسی حاکم بر جامعه است که به خاطر ایجاد آن همواره مبارزه خواهیم کرد

۱- جدا کردن رشد فلسفی و تکنیکی - سپهرگیری از موهبه و ترویجهای طبیعی و وصول به یگانگی و سازگاری انسان بر طبیعت (تسخیر و تسلط انسان بر طبیعت) - همین مورد علمی علیا همان در خطبه ۱۲۸ نهمین نسخه از حاکمی نامشناخته گفتگو میکند که حاکمیت با شوهبای غیر از حکام و پادشاهان معمول تا ستم بند زمین همه آره های جگر " و ترونها و دارائیهای کلبه ها و رموز خود را به او تسلیم میکند. به این ترتیب در زمین هیچ نقطه آباد و خراب باقی نماند و خرمی و سوسری و گنجرهای میشود توانایی تولید آنچنان زیاد میشود که کفاف نیازمندان را میدهد. این جامعه تمام فراترانی است.

(مسلماً تا کبر بر فخر معنی پیشرفت جامعه یعنی تکامل تکنیک و قدرت تولید آنهم در ۱۴ قرن پیش از کنشش موعود اجتماعی درسی آید و پس از آن روزهای خرم و روباهای غیر واقعی همه فاصله و نزدیکی ندارد زیرا در آن در یک دورن امیر برقیس ابزار تولید معنوی ستمانی امیر تحولات و پیشرفت های اجتماعی تا کید شده است. البته در اینجا راه نقد دیدگاههای یکمده و مبرما " (ابرگرنا - نه در مورد جامعه و تاریخ منسوخ.) است. بحث را به کتابهای ایدئولوژیکی ما را و مشخصاً " کتاب تبیین تاریخ موعود مکتم)

۲- هرگونه ظلم و ستم و بهره کشی و استیاض - رسته کن شده و هیچ چیزی از طبقات اجتماع طلب و موهب میجوید. (باز در اینجا ممکن است گفته شود که باسی و بزگی هیچ تفاوتی با مداوم اصلاح مردم گرنا نه دیگر مکتب خود میوزوئی ندارد. اما جواب این شبهه را با ذکر دیگر خصویات آن جامعه و بطور مشخص در بزگی بعدی خواهیم دید)

۳- اقتصاد پولی و تفکر کلاسی - برپیده شده و هیچ اثری از پول و سود - برستی نیست. بیس بر خلاف دوران کوب - تی ما، مالکیت خصوصی ابرار تولید می شود. غارت محصول کارگران (تفکرمی دارد و تس ضرورتی و موضوعی - به همین جهت دیگر برخوردار از آزادی و ارامه - تیار - های باسی. به هیچوجه ستمگر داشتن پول و ثروت نیست. چرا که بشریت به آن نیاز ندارد. حرکت کارها و فعالیت او نبوده و انگیزه های منتهای معنوی جایگزین زندگی هگان برای خدا و به استوات. **ان صلوئی و تنگی و معیای و معانی** **لله رب العالمین** (این تامل و تأمل واقعی آریان اجتماعی توحید است که با صراحت تمام الفانبار - بی و کامل مالکیت خصوصی و اقتصاد - پولی و تفکر کلاسی را اخلاص میدارد و خط

در دیدگاه پکتاگرایی ما، جهان آفرینش پر تری از ذات ملکی، یگانه و اور عالم و تکامل بخشی است که جهان به خواست و تمیز همان ذات ملکی بازی ایجاد و منظم و فائز شده است. اما در مادیترین صور همواره به سمت کمال و هدف موقود معنی و ارزش نیست. که همان " الله " باشد. شتابان در حرکت است. " هیچ **الله مافی السموات و مافی الارضی** " و هیچ خلقت هم عیب نبوده، بلکه اراده او بر آفرینش بر اساس حق و حقیقت میباشد. (**و اخلاقنا السموات و الارضی الا باحق**) و با خاطر تکامل جادون وسر و ارتقا - بی باقی مخلوقات، و در پیمانهای آنها انسان، پسوی او تعلق گرفته است. **الحمد لله رب العالمین** **ان الله واک الیه راجعون** " این پاسخ که از ارضت واقعیت هستی موجود، در رخ حال سبب ارضش برین این مکتب میباشد: **" الله کمال موعود، حاکم مطلق و الاثر - بن ارزش و معیار، که ایدال، انگیزه و پستوانه، ذوال نایدر، دوست نیافتنی، تکامل و فقهنا بدین اساسیاد گرفتیمی - کرام تاریخی است.**

توحید هستی یا پاسخ مکتب ماه مسئله وجود

در دیدگاه پکتاگرایی ما، جهان آفرینش پر تری از ذات ملکی، یگانه و اور عالم و تکامل بخشی است که جهان به خواست و تمیز همان ذات ملکی بازی ایجاد و منظم و فائز شده است. اما در مادیترین صور همواره به سمت کمال و هدف موقود معنی و ارزش نیست. که همان " الله " باشد. شتابان در حرکت است. " هیچ **الله مافی السموات و مافی الارضی** " و هیچ خلقت هم عیب نبوده، بلکه اراده او بر آفرینش بر اساس حق و حقیقت میباشد. (**و اخلاقنا السموات و الارضی الا باحق**) و با خاطر تکامل جادون وسر و ارتقا - بی باقی مخلوقات، و در پیمانهای آنها انسان، پسوی او تعلق گرفته است. **الحمد لله رب العالمین** **ان الله واک الیه راجعون** " این پاسخ که از ارضت واقعیت هستی موجود، در رخ حال سبب ارضش برین این مکتب میباشد: **" الله کمال موعود، حاکم مطلق و الاثر - بن ارزش و معیار، که ایدال، انگیزه و پستوانه، ذوال نایدر، دوست نیافتنی، تکامل و فقهنا بدین اساسیاد گرفتیمی - کرام تاریخی است.**

توحید بی طبقه یا جامعه ای بی طبقه مردمی حاکم بر فانون اساسی مطلوب ما

ما در بیان جوهر نظام اجتماعی مطلوبمان به فلسفه توحید روگوشودیم، که از آن منبایات، ویژگیها و ارزشهای دیدال اجتماعی - تاریخی مان " نشات میگیرد و بدون شک مسند در توضیح کلماتی که با یکدیگر چنان جامعه ای بی طبقه و مکتب انقلابی تسخیر خلی و واضحتر و صریحتر آید. در سخنان بشری راوسد داده است. و مشخصاً به شرح مهمترین و اساسی ترین خصوصیات آن جامعه پرداخته است.

بدینگونه تمامی جهان (و از جمله انسان و اجتماع) بویای وحدتی هستند. استانی که با گذر کردن از خاصه، و فقهنا بدین اعداد حاصل میشود. در اس بیسی - وحدت " فایب و سرانجام و هدف تضادهاست و تضادها وسیله نیل به وحدت. وحدتی عام و جهان شمول که در هر فلور خاص، کفیتی خاص می یابد. انسان منظم و موحود طرف اجتماع، بر تضادها نفسانی فله میکند و اگر در اسیری سخت بر پیچ و خم خدا نگردد. اجتماع نیز شکی به اراده و خواست انسان و به پستوانه - خیره های محتوم اجتماعی کام بکام از تضادها، شرک و اولی رها می یابد و سرانجام سنی در دو گانه های طبقاتی شاهد وحدت و آزادی نهایی را در غموش میکند.

توحید اجتماعی یا تکامل آگاهانه **تاریخ به سمت وحدت مستفاد از فلسفه نبوت**

همانطور که تکامل کل جهان آگاهانه است. جوامع بشری نیز که بالاترین رس حاصل این جهان است. خود مطهری از این تکامل آگاهانه میباشد. درست بر سبب منبای جنبه فلسفی انبیا توحیدی از طریق وحی پرچمدار هدایت توده ها و پیشتر مبارزه با ارتجاع و طبقات استار -

توحید در بعد انسان شناسانه آن - انسان از کرامتین مخلوقات خدا (ذات کامل بشری و انسانی است. بدلیل آزادی و آگاهی، مسئول و متعهد است که در پیمانهای حرکت تکاملی جهان، با اراده و انتخاب خود، این مسیر پریچ را در پی گیرد. و برپایه فایده آن، تسخیر این موجود و تبدیل آن به انسان حقیقی نماید. و برپایه هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار و جنگ فرارند. همان چسب - انداز تابناکی که تنها حاکمین را وارت نهائی زمین خواهند کرد.

توحید هستی یا پاسخ مکتب ماه مسئله وجود

در دیدگاه پکتاگرایی ما، جهان آفرینش پر تری از ذات ملکی، یگانه و اور عالم و تکامل بخشی است که جهان به خواست و تمیز همان ذات ملکی بازی ایجاد و منظم و فائز شده است. اما در مادیترین صور همواره به سمت کمال و هدف موقود معنی و ارزش نیست. که همان " الله " باشد. شتابان در حرکت است. " هیچ **الله مافی السموات و مافی الارضی** " و هیچ خلقت هم عیب نبوده، بلکه اراده او بر آفرینش بر اساس حق و حقیقت میباشد. (**و اخلاقنا السموات و الارضی الا باحق**) و با خاطر تکامل جادون وسر و ارتقا - بی باقی مخلوقات، و در پیمانهای آنها انسان، پسوی او تعلق گرفته است. **الحمد لله رب العالمین** **ان الله واک الیه راجعون** " این پاسخ که از ارضت واقعیت هستی موجود، در رخ حال سبب ارضش برین این مکتب میباشد: **" الله کمال موعود، حاکم مطلق و الاثر - بن ارزش و معیار، که ایدال، انگیزه و پستوانه، ذوال نایدر، دوست نیافتنی، تکامل و فقهنا بدین اساسیاد گرفتیمی - کرام تاریخی است.**

توحید بی طبقه یا جامعه ای بی طبقه مردمی حاکم بر فانون اساسی مطلوب ما

ما در بیان جوهر نظام اجتماعی مطلوبمان به فلسفه توحید روگوشودیم، که از آن منبایات، ویژگیها و ارزشهای دیدال اجتماعی - تاریخی مان " نشات میگیرد و بدون شک مسند در توضیح کلماتی که با یکدیگر چنان جامعه ای بی طبقه و مکتب انقلابی تسخیر خلی و واضحتر و صریحتر آید. در سخنان بشری راوسد داده است. و مشخصاً به شرح مهمترین و اساسی ترین خصوصیات آن جامعه پرداخته است.

بدینگونه تمامی جهان (و از جمله انسان و اجتماع) بویای وحدتی هستند. استانی که با گذر کردن از خاصه، و فقهنا بدین اعداد حاصل میشود. در اس بیسی - وحدت " فایب و سرانجام و هدف تضادهاست و تضادها وسیله نیل به وحدت. وحدتی عام و جهان شمول که در هر فلور خاص، کفیتی خاص می یابد. انسان منظم و موحود طرف اجتماع، بر تضادها نفسانی فله میکند و اگر در اسیری سخت بر پیچ و خم خدا نگردد. اجتماع نیز شکی به اراده و خواست انسان و به پستوانه - خیره های محتوم اجتماعی کام بکام از تضادها، شرک و اولی رها می یابد و سرانجام سنی در دو گانه های طبقاتی شاهد وحدت و آزادی نهایی را در غموش میکند.

توحید اجتماعی یا تکامل آگاهانه **تاریخ به سمت وحدت مستفاد از فلسفه نبوت**

همانطور که تکامل کل جهان آگاهانه است. جوامع بشری نیز که بالاترین رس حاصل این جهان است. خود مطهری از این تکامل آگاهانه میباشد. درست بر سبب منبای جنبه فلسفی انبیا توحیدی از طریق وحی پرچمدار هدایت توده ها و پیشتر مبارزه با ارتجاع و طبقات استار -

توحید در بعد انسان شناسانه آن - انسان از کرامتین مخلوقات خدا (ذات کامل بشری و انسانی است. بدلیل آزادی و آگاهی، مسئول و متعهد است که در پیمانهای حرکت تکاملی جهان، با اراده و انتخاب خود، این مسیر پریچ را در پی گیرد. و برپایه فایده آن، تسخیر این موجود و تبدیل آن به انسان حقیقی نماید. و برپایه هرگونه ظلم و ستم و تبعیض و استعمار و جنگ فرارند. همان چسب - انداز تابناکی که تنها حاکمین را وارت نهائی زمین خواهند کرد.

توحید هستی یا پاسخ مکتب ماه مسئله وجود

در دیدگاه پکتاگرایی ما، جهان آفرینش پر تری از ذات ملکی، یگانه و اور عالم و تکامل بخشی است که جهان به خواست و تمیز همان ذات ملکی بازی ایجاد و منظم و فائز شده است. اما در مادیترین صور همواره به سمت کمال و هدف موقود معنی و ارزش نیست. که همان " الله " باشد. شتابان در حرکت است. " هیچ **الله مافی السموات و مافی الارضی** " و هیچ خلقت هم عیب نبوده، بلکه اراده او بر آفرینش بر اساس حق و حقیقت میباشد. (**و اخلاقنا السموات و الارضی الا باحق**) و با خاطر تکامل جادون وسر و ارتقا - بی باقی مخلوقات، و در پیمانهای آنها انسان، پسوی او تعلق گرفته است. **الحمد لله رب العالمین** **ان الله واک الیه راجعون** " این پاسخ که از ارضت واقعیت هستی موجود، در رخ حال سبب ارضش برین این مکتب میباشد: **" الله کمال موعود، حاکم مطلق و الاثر - بن ارزش و معیار، که ایدال، انگیزه و پستوانه، ذوال نایدر، دوست نیافتنی، تکامل و فقهنا بدین اساسیاد گرفتیمی - کرام تاریخی است.**

توحید بی طبقه یا جامعه ای بی طبقه مردمی حاکم بر فانون اساسی مطلوب ما

ما در بیان جوهر نظام اجتماعی مطلوبمان به فلسفه توحید روگوشودیم، که از آن منبایات، ویژگیها و ارزشهای دیدال اجتماعی - تاریخی مان " نشات میگیرد و بدون شک مسند در توضیح کلماتی که با یکدیگر چنان جامعه ای بی طبقه و مکتب انقلابی تسخیر خلی و واضحتر و صریحتر آید. در سخنان بشری راوسد داده است. و مشخصاً به شرح مهمترین و اساسی ترین خصوصیات آن جامعه پرداخته است.

بدینگونه تمامی جهان (و از جمله انسان و اجتماع) بویای وحدتی هستند. استانی که با گذر کردن از خاصه، و فقهنا بدین اعداد حاصل میشود. در اس بیسی - وحدت " فایب و سرانجام و هدف تضادهاست و تضادها وسیله نیل به وحدت. وحدتی عام و جهان شمول که در هر فلور خاص، کفیتی خاص می یابد. انسان منظم و موحود طرف اجتماع، بر تضادها نفسانی فله میکند و اگر در اسیری سخت بر پیچ و خم خدا نگردد. اجتماع نیز شکی به اراده و خواست انسان و به پستوانه - خیره های محتوم اجتماعی کام بکام از تضادها، شرک و اولی رها می یابد و سرانجام سنی در دو گانه های طبقاتی شاهد وحدت و آزادی نهایی را در غموش میکند.

توحید اجتماعی یا تکامل آگاهانه **تاریخ به سمت وحدت مستفاد از فلسفه نبوت**

همانطور که تکامل کل جهان آگاهانه است. جوامع بشری نیز که بالاترین رس حاصل این جهان است. خود مطهری از این تکامل آگاهانه میباشد. درست بر سبب منبای جنبه فلسفی انبیا توحیدی از طریق وحی پرچمدار هدایت توده ها و پیشتر مبارزه با ارتجاع و طبقات استار -

مصاحبه مطبوعاتی مجاهدین خلق :

مصرف روز سه شنبه ۹ مرداد ، کفراسی مطبوعاتی در مقر جنت ملی مجاهدین تشکیل شد. در این کفراسی ۴ تن از امامان سازمان مجاهدین شرکت داشتند. نظرات خاص سازمان را در رابطه با قانون و مجلس بررسی نهایی قانون اساسی بیان داشتند و در ادامه ، مومنی خبیانی به موضوع کفراسی مفرغانه " سازمان رادوی تلویزیون نسبت به مجاهدین خلق با ذکر نمونه های متعددی از سانسور و جعل تحریف اخبار اشاره کرد. و افزود با وجود نام دست به تبلیغات با رزمی ، از طرف مدعی عناصر مظلوم انقلاب مورد تعقیب و آزار- فرار میگردم ، نگاه شوره خانی را در این مورد ارائه داد. در یکی از نمونه ها گفته شد ، که در مشهد سه برادر روز داری را پس از اینکه گفته روزه دار هستم ، چندین بار در لجن مریز کرده اند.

قانون اساسی باید پاسخگوی چه مسائلی باشد؟

تابانیا زهای مرحله کنونی انقلاب سازگار گردد

که شمار نخی است شمار دهم. وقتی انسان می تواند در شمار نخی است شمار دهم. وقتی انسان که مقدمتاً " این دو تا را (ضد دیکتاتوری ضد استعماری را) با نهایت طلی کند. چه کلمات و شماره های تاریخی آیت الله طالقانی در روز سی تبر مطرح کرد. گویا در قم هر سر آریا مذاکره شده. به ستار و کلمه " وحدت که بسیار از رشد است : با ضد استبدادیه هر شکل و به هر نوع ، ضد استعمار ، و سر انجام ضد استبداد و سپرد حق هستیم. وقتی میگویم انقلاب راهی بخش ضد استبداد است ، به این سبب مامست این انقلاب بیان می شود. و فرجام آن شخصی می گردد.

جزای قانون اساسی بر ماهیت انقلابیان

با یک دید نگریه است قانون اساسی بر این وقتی می بینم که بر قانون اساسی بر این مطلب یعنی بر مضمین و راه های بخش و ضد امپریالیستی انقلاب تصریح نشده طبعی است که حواستارش بشوم. و فقدانش را اعتراض می کنم. یعنی قانون اساسی ایرادها و مامست که ماهیت انقلابیان را تصریح کرده باشد. مگر این قانون اساسی ، مرکبش خون شهدا نیست. و مگر این پیام شهدای ما نبود. وقتی می گویم آزادی بخش مضمونش روش و آیت الله علی آقا رستم دیکتاتوری ، آزادی خلق آری از سلطه " امپریالیسم ، آزادی ملت هایمان از ستم ممالک ، آزادی برین آزادی فعالیت های سیاسی آزادی مطبوعات ، آزادی عقیده و مرام ، یعنی تا مین این قضای گمراه کننده است. یعنی ضد استبداد ، آزادی قضای که ممالک تا مین واقعاً معنا ندارد. ما این راهی خواهیم و این راه جدمم می خواهیم. آزادی برین حکم نظامی ، مگر نیست که این " آزادی و رهایی جوهر تاریخ جوهر انسانی است. و مگر نیست که سر تاریخ خلاص می شود به گذار دامن از قلمرو ضرورت به قلمرو آزادی " از این دیدگاه هاست که قانون اساسی را ، این پیش نویسی را نقد می کنیم و در مابلیش موضع می گیریم

باجه محوری هائی به نقادی قانون اساسی می پردازیم

سعود رجوی نگاه به نقادی قانون اساسی از این دیدگاه محوری بالا برداخت. در جهت آزادی و در جهت خروج از سلطه " امپریالیسم جهانی به سردمداری آمریکا ، تا بر این اساس الف - با خواستار ریشه کن کردن کلیه روشها و متدها و اصول های آریا گردن عقان و اختتامی هستیم. یعنی خواستار تا مین کامل آزادی و اعزاد ، اجتماعات مطبوعات ، و محافظت آنها در مقابل بقای ای جاقدرتاران ، این ستم جاقدرتاری از آن موقع آریا برمی مایند. اما بی - با " همه جا به آثار سیاسی اجتماعی ، اقتصادی ، نظامی و فرهنگی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلقهای جهان ، سرپرست همه " طاوت های جهان ، از طریق کلی هر یک کلیه بر مایه ها ، شرکت های وابسته و " واکا " فرار داهای مربوط به آن ، آریا این خواستار ، را دشتی است که می خواهیم در قانون اساسی بر این مطلب تاکید و تصریح بشود یعنی بر مضمیمه " ضد امپریالیسم انقلابیان و اینکه طاوت های جهان را چه کسی سرپرستی می کند.

۱- عدم رعایت اصل ۱۳

در مورد ارتش با توجه به مباحث ارتشهای شناخته شده در ایران ، ماحق داریم خواهیم در قانون اساسی مامست که ارتشهای مردمی ، انقلابی ، ضد امپریالیست ، ضد دیکتاتوری ، ضد استبداد ، تا برادران ارتشی بداندت اکر ضد ای می باشد ، روزی خلاف این رفتارند. ضد و طبع دیگری دارند. به اعتقاد ما این ارتش نمی بایستی هیچ چه به الیوم و در درگیریهای داخلی با پیش بیان کشیده شود. حتی یک گلوله نماندند ، " سراف " می بایستی در جهت انقلاب اسلامی راه " می بخشد و ضد امپریالیستی این مرحله ، با پادشاه بر مایه هایمان باشد. علاوه بر این ما معتقدیم که ارتش و فرماندهان عالی آن " کلا " می بایستی زیر نظر مصلحت مندانگام باشند. فرماندهان علم نظام می بایستی با تاسد مجلس و مصلحت نظر ردمه های مامست تعیین شود. وقتی میگویم ارتش را باید با معنی بایستی این خلعت مامی توانیم داد اکثر " انفساط " انقلابی از ارتششان خواهیم ، به شرط اینکه آن را مردمی کنیم. مردمی گردن لارهایش رعایت نظارت ردمه های مامست. ارتش ما نمی بایستی از مستشاران و اربابان امپریالیست استفاده کند.

۲- سربازی ناقل مردوزن

در کلیه زمینه های سیاسی اقتصادی و اجتماعی می بایستی روی این مطلب تصریح شود.

۳- زمین آرازی است که روی کار می آید

برسبب عقبه انقلابی اسلام " زمین آرازی است که روی کار می کند. " سبب آنرا از آن بقر اول امام سادی " حتی اگر زمین هم غصبی باشد. آن را زمین که رویش کار می کند صاحب مزبور است. ما همه " اصول و قواعد اقتصادی اسلام را می بایستی رعایت کنیم. توری بنشینوس از این ساله مهم که بر زندگی نمی آری مردم ما سبکی دارد ذکری بیان نمائیم. اما بی - از سر مایه هایمان ، و ممالسه بنیاد می باشد. می توجی به آن ، و سر - بری گرفتن آن هر روز موجب درگیریها شده و عامل نفاق و تفرقه گشته است.

۴- سربازی ناقل مردوزن

در کلیه زمینه های سیاسی اقتصادی و اجتماعی می بایستی روی این مطلب تصریح شود.

۵- فرهنگ و آموزش رایگان

ما دارای منابع علمی خیلی هستیم. نفت ، منابع سایر منابع ، بنا - بر این میتوانیم این را محوریت کامل قانونی بدانیم. آموزش رایگان با مضمون مردمی و انقلابی ، که تا دوره دبیرستان امری باشد.

۶- عملی کردن بیمه ، بهداشت و طب

باز هم ما میتوانیم با کمک منابعمان اینها بصورت یک اصل قانونی وارد کنیم و از دولتی مسئولیت بخاوییم.

۷- مستضعفین تکنیکه اجتماعی

از نظر اجتماعی ، بایستی در قانون اساسی ما روی این مطلب تصریح شود. که هر چه دولت نمایندگی ما خلق را نموده دارد ، ما با وحدت خلقی که ماکهاش بر مایه کارگر و دهقان یعنی بر مایه مستضعفین است. و بنیاد اجتماعی دولت اسلامی به

۸- ملت نهاد باید سرنوشت خود را تعیین کنند

در اصل پنجم بعد از ذکر آیه ۱۳ سوره حجرات ، ذکر شده که ملت ها و اقوام مختلف از حقوق مساوی برخوردارند. این سبب چه کفایت نکند. مگر در قانون اساسی قبلی اینطور نوشته بود که ملت ها حقوق مساوی ندارند. که سبب بود تمام افراد ملت در برابر قانون سانسور است. اگر ما واقعاً " به مضمون آیه فوق و برتری نفوی مستقیم بایستی در قانون اساسی تصریح کنیم ، اینها در امور داخلی شان مستانند و باید سرنوشت خود را تعیین کنند. ملت ها هوطنان مریزا در گروستان با کنید ما بلوچستان با



در یکسبب بالا سعود رجوی نقطه نظرهای سازمان مجاهدین خلق را در

۹- ارتش مردمی و ضد امپریالیست

در مورد ارتش با توجه به مباحث ارتشهای شناخته شده در ایران ، ماحق داریم خواهیم در قانون اساسی مامست که ارتشهای مردمی ، انقلابی ، ضد امپریالیست ، ضد دیکتاتوری ، ضد استبداد ، تا برادران ارتشی بداندت اکر ضد ای می باشد ، روزی خلاف این رفتارند. ضد و طبع دیگری دارند. به اعتقاد ما این ارتش نمی بایستی هیچ چه به الیوم و در درگیریهای داخلی با پیش بیان کشیده شود. حتی یک گلوله نماندند ، " سراف " می بایستی در جهت انقلاب اسلامی راه " می بخشد و ضد امپریالیستی این مرحله ، با پادشاه بر مایه هایمان باشد. علاوه بر این ما معتقدیم که ارتش و فرماندهان عالی آن " کلا " می بایستی زیر نظر مصلحت مندانگام باشند. فرماندهان علم نظام می بایستی با تاسد مجلس و مصلحت نظر ردمه های مامست تعیین شود. وقتی میگویم ارتش را باید با معنی بایستی این خلعت مامی توانیم داد اکثر " انفساط " انقلابی از ارتششان خواهیم ، به شرط اینکه آن را مردمی کنیم. مردمی گردن لارهایش رعایت نظارت ردمه های مامست. ارتش ما نمی بایستی از مستشاران و اربابان امپریالیست استفاده کند.

۱۰- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگر ما ، با برادران کارگرم "

۱۱- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۱۲- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۱۳- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۱۴- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۱۵- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۱۶- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۱۷- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۱۸- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۱۹- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۲۰- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۲۱- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۲۲- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۲۳- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۲۴- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۲۵- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۲۶- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

۲۷- حقوق کار و حريم کارگاهها

در قانون اساسی می بایستی ۸ ساعت کار ، و حق اعتصاب برای کارگران مامست شاخته شود. " سروهای نظامی حق ورود در حريم کارگاهها و غلبه بر نیروی کارگزارانند. کمالیت در حريم دانشگاهها نباید داشته باشد. حق تشکیل کارخانه ها ، سروهای کارگری ، و شوراهای کارخانه ها بایستی بر سبت شاخته شود. بخصوص می حقوق زنان کارگر ، خواهران کارگرم "

۲۸- سیاست خارجی غیر متعهد

" بایستی ورود خود را به بلوک کشور - های غیر متعهد ، و ممالک را از کلبه - جنبشهای استقلال طلب و آزادخواه در برابر جهان ، مضمون " فلسطین ، صربها " اعلام داریم. لغو کلیه قراردادهای مماله سیاسی و اقتصادی کلیه دولتها و زود - بر سرشود و دولتها و خواهران دولتها که در مصلحتی به ممالک سانسورند. اینها باید در قانون اساسی با تصریح شود. ممالک سر اینها ، اعطای پناهندگی به آزادگان ، انقلابیون تبعیدی ، اینهم یک مبدیت که انقلاب ما بایستی بر عهده بگیرد. تنها با رعایت این موازین خواهد بود که قانون اساسی ما همچنانکه باید در واقع به دستور آزادی به میناق حریت تبدیل خواهد شد. و تا آنجا که در عهده داشته باشیم ، تا آنجا که بتوانان باری بکنند ، ما در مورد هر وسیله و فن و کار از حیث آزادی هر چه میتوانیم مصلحت نظر کنیم. بعد از سخنان سعود رجوی خبر - نگاران سوالات خود را مطرح کردند.

دادگاه خلق،

قدیمی در راه احکامیت مردم بر سرفروخت خود

● دادگاه خلق بروجردان انقلابی توده ها تکیده دارد. بقیه از صفحه ۱

جرم جنایتی بسیار به سرگ محکوم شده بودند. بنابراین صرف محرز شدن هويت آنان برای به جوجه آتش سرد تنگن کفایت می کرد. لازم بود به کفر رساندن این جانان با سرعت و قاطعیت تمام انجام گیرد. تا ساعد انقلاب را که هنوز امید خود را کلا از دست نداده بود، از خردسری سرفروخت سارز و فرصت سر بلند کرد به وی ندهد. حقانیت دادگاههای انقلاب را علیه سفاقتی که داشتند از پشتیبانی بی دریغ و برپوشر همه افکار خلق می توان دریافت. دادگاههای انقلاب اسلامی از آنجمله است به بنا به فرورتن مرحله انقلاب از قید و بند قوانین متعارف دادرسی بودند. عملکردی انقلابی داشتند. ولی همچنانکه گفتیم تقیاط مفسی نیز داشتند که اهم آن ترکیب اعضای دادگاه بود. به این معنی که اعضای آن از نمایندگان اقشار و طبقات مختلف خلق تشکیل نیامده بودند. تقاط ضعف دادگاهها باعث شده بود که مسائل ارضی، امیربالیستی و صهیونیستی موفق شوند تصویر ناهنجاری از انقلاب ما به مردم دنیا ارائه دهند. جریان محاطف دادگاههای انقلاب در جریان عمل به تدریج پرازرشند. و آثار تحولات درونی دادگاهها هم تشدید کرد. این امر در تفاوت مردم خودمان به معنی شد. و مردم انتقادهایی به دادگاههای انقلاب و نحوه کار آنها مطرح می کردند. بارزترین نمونه آن محاکمه شهبازی بود. صرف نظر از همه مسائلی که جریان محاکمه برای مردم بیابرسون دادگاه مطرح کرد. این مسئله بود که چرا کار خود به روز به درازا کشید؟ چه سوراخیم برای ذمهم و شکنجه گری که حیانتایش محرز و مسلم بود؟ و بنا بر ضوابطی که از سوی رهبر انقلاب تعیین شده بود. هیچ گفتری جز مرگ برایش منور نبود. تردیدها را در مورد دادگاههای انقلاب شد می بخشید. و ضرورت تشکیل دادگاههای خلق را نیز از پیش مطرح میکرد. دادگاههای خلق سازمانها و عناصر انقلابی از همان اوان انقلاب تأکید می کردند. در اینجا ما سعی می کنیم که طریخی هر چند کلی از دادگاههای خلق ارائه بدیم.

علازکدهای دادگاه خلق

ذکر نمونه هایی به روشن کردن آنچه در فکرم گفتیم کمک میکند. این نمونه ها در همه انقلابها هست و با آنها را از انقلاب فلسطین برگزیده ایم: در حیویه جنگهای داخلی لبنان جریکهای فلسطین نیز فعالانه همراهِ مستضعمان لبنان شرکت داشتند. در این جنگ تکلیب نیروهای شرقی و جیگرک سلمان در مقابل دست راستی های برتری قرار گرفتند. یک جریک فلسطینی به دنبال انجام ماوریت محوله اش، یک خانواده مسیحی را دستگیر و دختر خانواده را به منف عهود تجاوز فرسار داد. متعاقب آن رهبری انقلاب فلسطین با تشکیل دادگاه خلق او را در همان محل محاکمه و به اعدام محکوم کرد. و حکم صادره را هم بلافاصله به مرحله اجرا گذاشت.

شال دیگر که در جهت عکس مثال قلی است، محاکمه انقلابی ابنوهال از کادربهای بالای الفتح می باشد. که بعد از محرز شدن حیانت وی که باعث ایجاد یک جریان انحرافی در انقلاب فلسطین شده و علیه مردم دادگاه خلق حکم اعدام او را صادر کرده ولی از پیگیری و اجرای حکم خودداری میکند. چرا؟ چون اجرای رای صادره در حکم طولانی تر کردن جریان فکری انحرافی و غیرانقلابی ابنوهال است. بررسی دو مثال فوق که در نمونه از عملکرد دادگاههای انقلابی است. ما را به معنی و محتوای دادگاه خلق آگاه می سازد.

اگر با توجه به منافع خلق فلسطین به نمونه های فوق نگاه کنیم، نکات مهمی را دردی باسیم. در مورد اول اگر موزل موشتر در جرم او از نظر جزایی و نظر حقوق مدون در نظر بگیریم، از جمله مجرد بودن جرم، شرایط سخت وزندگی سراسر محرومیت او، گذشته

دادگاه خلق بروجردان انقلابی توده ها تکیده دارد

دادگاه خلق چنانکه از استن برمی آید. دادگاهی است که قضات آن نمایندگان اقشار مختلف خلقند. و مسائلی که در آن مطرح میشود به همه خلق و به سرفروخت ایشان مربوط است. عملکرد این دادگاهها قبل از آنکه بر قوانین مدون حقوقی و جزایی استوار باشد، بر وجدان انقلابی و داری توده های مردم تکیه دارد. بهین جهت قضات این دادگاه ها را فقط متخصصین امور حقوقی و جزایی، بلکه ترکیبی از نمایندگان مردم تشکیل میدهند که حتی

در آور و آکنده از ناگسها و رنجهای قومی، خانوادگی و دهها عامل درونی و بیرونی دیگر را که از ما بل جنسی شده وی درهم آمیخته و در یک حالت جنون آسا او را واداشته که دست به چنین عملی بزند. متوجه می شوم که جرم ارتکابی وی را مستحق اعدام نمی کند. اما در اینجا چیزی که دادگاه خلق بران اصرار می ورزد، حیثیت سیاسی یک انقلاب و چریان برپار بنصت خلق فلسطین است. چنین عملی که بدست یکی از سرسازان انقلاب انجام گرفته می تواند بصورت تشدیدری حسدی برای لشکدار کردن شرافت انقلابی بنصت درآید. علت عزم قاطع دادگاه خلق در صدور حکم اعدام و اجرای بلافاصله آن نیز همین جهت بود.

در نمونه دوم دادگاه خلق به این دلیل بعد از صدور رای اعدام در مورد ابنوهال از اقام به اجرای حکم خود داری می کند که اعدام وی کچه ظاهر اجرای عدالت بر مردم یک خاشن است. ولی در حقیقت نتایج حاصل از آن در جهت نافع دراز مدت خلق نخواهد بود. با اعدام ابنوهال نه تنها جریان فکری او و آثار عملی آن از بین می رود، بلکه با احتمال فوری او را به یک مدین تبدیل کرده و این جریان انحرافی را در اوم پیگیری و برپوردار می کند که منافع آنی توده های مبارز فلسطینی را مورد تهدید قرار می دهد.

دادگاه خلق در چه مواقعی تشکیل میشود و ترکیب اعضای آن چیست؟

چنانکه گفتیم "دادگاه خلق دادگاهی است که قاضی یا قضات آن نمایندگان خلق هستند. براسان تصرف باید افزود که: "مستتاب با شرایط نحوه تشکیل دادگاه خلق فرق می کند. با این معنی که در شرایط تسلط حکومتی یا جریکها و دیکتاتور، این دادگاهها مفعی اند و اعضای تشکیل دهنده آنها را افراد مسلح با یک سازمان انقلابی تشکیل می دهند. زیرا چریان سازمانی تسلط خواتنهای جامعه، و دادستان مردم مستکنند است. در محیطی دموکراتیک و بخصوص بعد از پیروزی انقلاب، دادگاه خلق با شرکت اقشار مختلف خلق نمایندگان سازمانهای انقلابی رهبری تشکیل می شود.

در دادگاه خلق آنچه مورد توجه قرار می گیرد جنبه سیاسی اجتماعی جرائم است. و کمتر به جنبه اخلاقی و جزایی پرداخته میشود. جزا در حقوق و قانون کبری ناظر به موارد از پیش تعیین شده است. و در برخورد با مصداقهای گوناگون یک جرم، واکنش یکسان نشان میدهد. هر یک محاکم عمومی هم مرتا منقلب بر یک جریان پیش ساخته است. در صورتیکه وجه نظر دادگاه خلق حفظ و ضمانت منافع خلق است. و در این مقصود دینامیسم و انعطاف نیار از خود نشان میدهد. و بهین جهت اعضای دادگاه نمایندگان اقشار و طبقات مختلف جامعه هستند. مسئله تخصصی و جریکی در او رفا خای خود را به ملاحت در تشخیص منافع توده ها می دهد. که این کار نیز فقط توسط نمایندگان واقعی آنان قابل اجراء است.

دادگاه خلق به چه جرائمی رسیدگی می کند؟

در دادگاه خلق، مدعی خلق است. مورد تظلم به معنی است که در خلق رفته. جرائم مورد رسیدگی این دادگاه، بسته به ویژگیهای آن مرحله از انقلاب،

گوناگون است. ولی وجه مشترک همه آنها جنبه سیاسی اجتماعی عمل ارتکابی است که باعث خدشه دار شدن شرافت و حیثیت سیاسی جامعه انقلابی شده است. صرف نظر از این که عمل مذکور در حقوق مدون توهان بره ما جرم دارد یا نه. با این معنی که اهمیت سیاسی عمل انجام شده بخدی است که متعارض دیگر جرم را تحت الشعاع قرار داده است. و با حتی عملی که عنوان دره را هم در مواقع عادی نداشته باشد. به خاطر آثار سوئی که به ساز می آورد، جرم تلقی می کند. و مرتکب را برای این جرم با تخفیف نتایج و آثار سو عمل محاکمه و محکوم می سازد.

به همین ترتیب یکی هم که از نظر ایدئولوژیک سبب ایجاد یک جریسان انحرافی را جامعه گردد، و سر و جریان اصلی و حرکت طبیعی جامعه را سد کند، یا سبب کند حرکت آن شود، مورد محاکمه دادگاه خلق قرار می گیرد. در اینجا محاکمه مرتکب، در حقیقت محاکمه جریان انحرافی است و حکم دادگاه هم بر حکومت سیاسی اجتماعی این جریان می باشد. و نه فقط حکومت جزایی فرد یا افراد مرتکب. (به ضمیمون آیه ۱۹۱ سوره بقره تفسیر شده که: "لذالذین اذنتهم علی من الفتن")

اجزای حکم دادگاه خلق هم بخاطر گرفتن اتمام از شخص نیست، بلکه اجرای حکم حکومت جریسان انحرافی را بیان می کند. رای صادره از دادگاه خلق، حکم تاگزیر خلقهایی است که منافع خود را در برهه ای از زمان بدرستی تشخیص می دهند و به دست وفادارترین و با ایمانترین فرزندان خود، آن را اجرا می کنند.

انطباق کامل دادگاه خلق با موازین اسلامی

محتوای دادگاه خلق، بررسی سیاسی ایدئولوژیک مسائل، ارائه آنها به توده، آگاه کردن مردم به ماهیت تضامی و سه داری خواندن اشاعت، اگر گسنت پیامبر و سره، امانان و مخالفه است. متوجه خواهیم شد که این باکان دقیقاً به همین شیوه در برخورد با مسائل عمل میگردند.

در تاریخ اسلام و بخصوص زمان پیغمبر اکرم ما به نمونه های زیادی برخورد می کنیم که ناظر به دو جنبه اساسی و دو وجهه نظر در دادگاههای خلق می باشد. یکی توجه داشتن به منافع واقعی و دراز مدت خلق و محصور شدن در چارچوب احکام از پیش تعیین شده حقوق جزا است. و دیگری به تفاوت نشانیدن مردم در جهت توضیح و نتسن مسائل برای آنان است. مثلا بعد از آنکه خیانت سپهبدان اطراف مدینه هنگام محاصره شهباز و سبیله، مشران مکه در جنگ اشراط مسلح شد. و بعد از آنکه مسلمانان توانستند در برابر مهاجمین پاسداری کنند و آنها را بشارانند، پیغمبر متوجه این هم پیمانان خاشن و بیعت شکن شد. و در یک بوشر آنان را دستگیر و بطوری که بشهر است هفتصد نفر از ایشان را در یک روز اعدام کرد. شاید این عمل خشن و قساوت بار بنظر برسد. چه بسا بسیاری از این افراد که اعدام شدند در اسین خیانت و پیمان شکنی سیم و نقض ستمند نشانند. اما آنجا که آمد:

یک مکتب، سرفروخت یک انقلاب و منافع یک خلق مطرح است. باید با قاطعانه عمل کرد، و چشم براین تردیدها بست، چون هرگونه معانجات با جریانی که در صورت

توفیق انقلاب را ناپود خواهد کرد. بار در استن پروردن است. با به تفاوت تولیدن خلق و ارائه مسئله به توده های مردم و آگاه ساختن ایشان نمونه های بسیاری در تاریخ اسلام و خاندان پیامبر دارد. میتوان از جریان فدک با یاد کرد. که حضرت فاطمه در تمام با نظام حکم مسئله را به مردم عرضه و مردم را به داری می طلبد. سخنرانیها و خطابه های و برای مردم در همین رابطه است (احتجاج طبری - فصل مربوط به حضرت فاطمه).

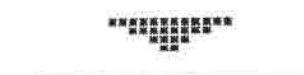
حضرت علی هم در برخورد با طلحه و زبیر، در برخورد با مسئله خواجه و در مقابل معاویه، همه جا مردم را در جریان ماهیت معاویه و مسائل فرار میدهد و آنها را آگاه می کند و سپس تفاوت را به مردم واگذار و حکم را از ایشان می طلبد. چنانکه در قرآن به مالک اشتر آنچه را که برپای خلق جاری میشود می خندا می نامد.

بسیارزبان با توجه به محتوای دادگاه خلق و ویژگیهای آن، تاکیدش بر نیرو و صحت داری مردم و مقابله آن با سره پیغمبر و آگاه و دریافت متوجه که اسلام نه تنها با دشمنان خلق مخالف نیست، بلکه از آنجا که این دادگاهها در مسیر خواست خدا و خلق و در جهت منافع عمومی و نیل به مرحله منکاملتر می باشد توده را تسامداند.

آنچه یک جریان انحرافی را بقا می بخشد و فرصت میدهد بیشتر به گمراه کردن مردم و ایجاد متنه بپردازد. برپوردر تابعان آن است. بهترین ویژگی دادگاه انقلابی خلق برپوردر صحیح و خلقی و همگنی با یک جریان انحرافی است. که در هر جاتی برای بقای سیاسی و اجتماعی و مالال تاریخی و ایدئولوژیک مشتم عمل می گذارد. این خود محتوای اصلی اسلام است که همیشه در برخورد پیامبر و ائمه بچشم می خورد.

تجربیات انقلابی معاصر

تاریخ انقلابهای چین، الحریار، ویتنام، لیبی و فلسطین، ضرورت تشکیل دادگاههای خلق را بعد از پیروزی انقلاب، به خاطر تفاوت خلق از اعتلاات و چندسنتکنها اثبات کرده، و کارائی آن را در عمل نشان داده است. چون در دادگاه خلق، این نمایندگان همه افکار خلق هستند که یک جریان انحرافی و عناصر وابسته به آن جریان را اقتضا و محکوم و مجازات می نمایند. و بهیئت خاکه که ممکن است فقط نمایندگان قسرا در بر بگیرد. و اگر حکومت جریسان انحرافی بوسله نماید، گمان همه، اقتار خلق صورت بگیرد. امکان سرنگردن و حیات مجدد آن ضامنی است. در حالیکه همین حکم از جانب نمایندگان قسرا و هیئت حاکم که تنها ممکن است سب طرد و عقی خیربان منحرف نگردد، بلکه حتی امکان دارد بوجب برانگیزند شدن سوغی ظن ها، و بدینبندیها می که نسبتا می تواند به تفرقه و ازهم پاشیدگی صفوف یکپارچه خلق باسجاد منجر شود. توجه به این واقعیت خشن ضرورت برپایی دادگاههای خلق را در این مرحله از انقلاب با بیش از پیش تأکید می کند.



جامعه آزادی (فراری دادن) "ازمندی" مشهور یاد کرد. این غیر عواه درست باشد با نباشد. در این تردیدی نیست که نام برده از روابط بسیاری از دست اندرکاران فعلی یا ساواک آگاه بود. و بدون شک از اعمال و حرکات آنان که بیشترش هم با طرح برپی خودش (ازبندی) بود.

توضیح در دادگاههای انقلاب ماهیت آزادگروگان کرد

لکن بتدریج سمت و جهت دادگاههای انقلاب تغییر کرد. با ماهیت غیراصولی آن آشکار شد. ابتدا در سطوح بازرسی تصفیه هائی صورت گرفت که دقیقا "هدف آن طرد حقوقدانان ورزیده و مخصوص موام و هدیق و سازشناپذیری بود که بدون هیچ چشمداشتی شانروز مشغول خدمت بودند. در آن زمان برپونده سردوران جانباز رژیم شاه توسط این افراد صالح سفینه در صفحه ۸

دادگاه انقلاب، شیخ الاسلام زاده رانجات داد!!

این دادگاه نقش و رسالت خود را از دست داده است

اعتماد و علویت سو استفاده می کند. ارتجاع کنونی در ضدیت با عناصر و جریانهای اصل و انقلابی مسلمان هیچ گوناهی نمی کند. و تا آنجا که دستش برسد همه امکانات تبلیغاتی سیاسی، نظامی را به خدمت می گیرد، و آنها را در پشته سازد. ولی در همین زمان جنایتکاران و عاشتن به خلق و هاشها که هر شائیه از عمرتآن به قیمت ترک صدها و اسارت و شکنجه و محرومیت میلیونها انسان سپین مان، قزین عیش و نوش بوده است. از چنگال عدالت آزادی می شوند تا مترجمن تازه بسردوران رسیده که یک لحظه از ادعای اسلام و شرع هم غافل نمی شوند. به هدفهای بدخلقی و ضداسلامی شان جامعه عمل پیوستند.

احتیاط انقلابی دادگاهها مورد حمایت همه نیروهای خلق بود

دادگاههای انقلاب که با چند سری اعدام انقلابی کارش را شروع کرد. از تأیید و حمایت گسترده ترین اقشار خلق ما برخوردار بود. آسیم در شرایطی که همه امیربالیستها و محامل ارتعاسی حبابا یکصدرا زبان اعتراضی علیه این دادگاهها کشوده بودند. و ظاهرا هیچ خاطر نقی آنچه که خود "حقوق قانونی متهمین" و یا "محاکمه عادلانه" می خوانندند، از اعدام های انقلابی این دادگاهها را محکوم می نمودند.

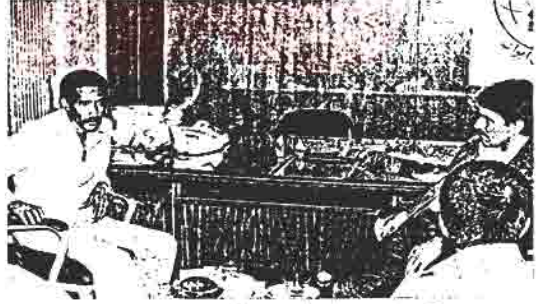
البته از آغاز عناصر معلوم الحال شروع به فعالیت کردند تا جلوی این اعدام های انقلابی را بگیرند. همچنانکه صحت از فراری دادن افراد عالی رتبه ساواک شدند. بعنوان مثال می توان از

کشورهای مرتجع میخواهند ما را علیه رژیم آیتوینی بکار گیرند و وقتی آیتوینی را تضعیف کردند، داخل خود ما را هم بیاورند

احمد ناصری تشریح وضع انقلابی مردم ارتبه، با یک بحث سیاسی عمیق مسائل منطقه را مطرح کرد. اینک بدنباله مذاکراتی بود ازیم.

مجاهدین - نقش سودان در این مسأله چه بود. آیا دارای پایگاه می در ارتبه بود؟
احمد ناصری: بک و راست! آنها میخواهند ما را علیه آیتوینی بکار گیرند و وقتی آیتوینی را تضعیف کردند داخل خود ما را هم بیاورند و الا چند سال بود که من برای تقاضای کمک این و آن و آنور میرفتم ما را هم نمی - دادند کشورهای راست مرتجع و حامی منافع امپریالیسم - چنانچه شوروی، که در حقیقت از پشت حنجره زدن بود، شما نظر داشتند شرایط ما بسیار دشوار و پیچیده بود. تا سال ۷۷ ما در حال جنگ بودیم و دستمیزها را یکی پس از دیگری آزاد می - کردیم، که منصرف جید می - بود. تقصیر من در مسأله را پیچیده تر کرد. این منصرف جید سومالی بود. در حالیکه ما پدیده تازه ای نبودیم و او را قتل ما روز میگردیم

میکرفت شمر دا و جنایاتی از عناصر مرتجع می در این سال تشکیل شد و برای این سوار و تصمیم گرفت:
۱ - مقرر کردن یک مصلحت یکناله برای ایجاد تفکلاتی جهت تشکیل کنگره.
۲ - وحدت تمام نیروهای نظامی.
۳ - کار در رهبری باید در داخل ارتبه با شش و نه در خارج شهردمشق و قاهره.
۴ - تشکیل کمیته ای برای تنظیم برنامه ها به این ترتیب بعد از سال ۶۹ یک تغییر کیفی بوجود آمد و ما رزیم به مرحله سازمان یافته ای وارد شد. کسانی هم بودند که میدیدند ما این قرارهای دموکراتیک - موافقت با کلی از دست می - رود، این بود که با تصمیمات مذکور مخالفت کردند در این بین افراد دشمن صبی قرار داشت. او کسی بود که خود را بعلت روستای غارچی ای که داشت تحمل کرده بود، دشمن صبی با ۱۲ نفر انشعاب کرد اینها ابتدا به سودان و بعد به عدن



گفتگو از دیدار احمد ناصری و مسعود جوی

ولی وارد شدن سومالی ما را به ناحق در کنار رسوایی قرار داد اگر اعتقاد ما و میانی و اصولی که به آنها وفا داریم تا به هر گونه ما را از معامله ای با امپریالیسم و ارتجاع نبودیم - توانستیم به آنها نزدیک بشویم اما این ما هیت ما است که تنها به خلق خودمان وفا دار هستیم ما اعتقادمان به خلقمان است و این تجربه تاریخی است که خلقها بیرون از بلستان را از نقشه اروپا حذف کردند و روسی امروز وجود دارد.
مجاهدین: در داخل جبهش ارتبه چه جناحهایی وجود دارد و رابطه آنها با هم چگونه است؟
احمد ناصری: طبقین اولیسن تبری که از سلاح شهید موافقی در سال ۱۹۶۸ تیک شد با نگرخواست مزد نبود پس از آن حرکتها فی در پنج منطقه آغاز شد که دارای شکل سازمان یافته نبود و وضع همچنان ادامه داشت تا در سال ۶۹ کوششهایی که برای تعیین یک مشی مشخص انجام

دادگاه انقلاب...

بقیه از صفحه ۲

و موثر پیگیری و تکمیل شد و نهایتاً بدست توانای عدالت رسید. این گروه تا آنجا که میتوانست در مقابل فشار متنفذین و هزبر در دامنه که میخواستند جانبان تازه را "در برند" مقاومت می - کرد. از اینرو کارها آنطور هم که مرتجعین میخواستند پیش نمی رفت. حداقل در مورد دادگاهها و بازپرسیهای انقلاب اینطور بود. تا اینکه آنها راه حل قصه را به زعم خود پیدا کردند:

و آن طرد و تصفیه همان افراد هشیار و موثی بود که "سازش پذیر" نبودند!! کمتر از یک هفته گذر افراد مزبور را خواستند. آسیم در شرایطی که شدیداً "به وجودشان احتیاج بود" رزیم برای بررسی و تکمیل پرونده متهمین و نیز تشکیل دادگاه برای آنها قادر قضائی انقلاب، هم بلحاظ کمی و بویژه بلحاظ کیفی (افراد با تجربه و مؤمن) کاللا در صقیه بود. همزمان با این جریان تلاشهای دیگری برای تجمیع غائبین خلق صورت گرفت: جلوگیری از دستگیری و بازداشت آنان، آزاد کردن گروه گروه عناصر سوارک و ... فرمایشی شدن دادگاههای - اصطلاح انقلاب که بجای اجرائی عدالت و قضا، خیال خیلی از شکنجه گران و سرکوبگران را راحت می کرد. بدین معنی که با حسن های کم و با تأمین حقوق و مزایا آنان را از شرایط فشار و زدگی منفی و همراه با ترس و لرز نجات می داد!!

سازشکاری اوج میگیرد

اما نقطه اوج این سازشکاریها دادگاه شیخ الاسلام زاده و حکم به تانگیز آن در مورد نامبرده است. در قسمتی از پرونده کثیرخواست او چنین می خوانیم: (اطلاعات ۲۲ شماره) ۱- رشوه، استفاده و غارت بیت المال مردم ایران، و تصرف غیرقانونی اموال و وجوه دولتی، ۲- کوشش و حرکت مستقیم در جهت تحکیم مبنای حکومت منقور و ضد مردمی رژیم سابق، ۳- شرکت در جنایات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هضات حاکمه و دولتهای ناصب رژیم حافظ شده با داشتن مسئولیت مشترک در کاستنهای مزبور در جهت ازین بردن حاکمیت ملی ۴- تحریک و فساد آگاهانه در وزارت بهداشتی و سپهرستی و سازمانهای درمانی به قصد سودجویی شخصی و تاراج اموال مردم.

خواهید تصحیح کنید گهرا معان چیست؟ و آیا آنها حاضر نشده اند که در کنگره ها فریاد و نظرات خودشان را بگویند، ما میگفتیم با توجه به اینکه ارتبه را نظیر اجتماع می عقب مانده است و پیروان ادیان مختلفی در آن وجود دارند تا با این کارها زمینه جدا همیها و انشعابهای تازه ای را ایجاد میکنند، بیایید دید یک کنگره بنشینید و مسائلتان را مطرح کنید، سوره هم پس از آنکه هیئتش به ارتبه آمد و دیدت شکل دشمن صبی در ارتبه وجود ما را چسی

به اختصاص دادن بودجه درمانی و بهداشتی مملکت در راه عیاشی و وساد و صرف بودجه مزبور در امر غیر ضروری به منظور کسب درآمد غیر مشروع - ع شرکت در قتل یعنی فراهم کردن موجبات مرگ صدها نفر از مردم محروم که در نتیجه ابتلا به بیماری و عدم دسترسی دارو و طب جان خود را از دست دادند ...

۷- سوء استفاده از قدرت و بیرداحت پولهای بیت المال به اطرافیان خود و وابستگان رژیم منقور از خزانه ملت - ۸- همکاری مستقیم و غیر مستقیم با ساواک و منجله و ...

و در قسمتی دیگر از کثیر خواست آمده است که متهم در هفت مورد روابط نامشروع داشته که این روابط منجر به جدائی زنان از شوهران خود گردیده است ...

وی همچنین یک عشرتکده در خیابان امیر تانک دایر کرده بود. متهم همچنین در زمان وزارت خود جیره متانان ۶۸ ساله به پاشن را قطع کرد. تا معاندان ناگزیر شوند بمصرف هروئین پناه برند، و در نتیجه فریشتنهای اشرف و غلامرضا پهلوی فریشتند. (تشریح اطلاعات ۲۴ ص ۱۰) اما دادگاه پس از آن جلسه دادری در عین حال که همه جنایات حد خلقی او را تأیید کرده، (در حقیقت انقدر آشکار و بدیهی بوده که چاره دیگری هم نداشته است) و او را مقصد فی الارض و ... تشخیص دهد، به دلایل کاللا منجک و مسخره (از قبیل نحوه برخورد او در دادگاه و با امکان استفاده از تخصص پزشکی اش!!) او را سزایار تخفیف دانسته و از صدور حکم اعدام در ناره او خودداری می نماید!! البته در مورد روابط نامشروع هم، دادگاه دلایل را کافی ندانسته است!!

آخرین دست آوردهای انقلاب قبل از هز توفیقی بیواسون این مسأله خوبست به سایر موضوعات و احکام دادگاههای انقلاب توجه کنیم. این اواخر دادگاههای انقلاب مرتباً "در مورد زنان و بردانی که متهم بدانشن روابط نامشروع با آنها و ... بودند حکم اعدام صادر کرده است. کاستیکه اولاً آنها همین یک فقره اتهام داشتند. ثانیاً آنها خود جزو قربانیان نظام فاسد قلمی بوده اند، نه پایه گذار نظام فاسد. چرا که فقر بدین معنی و زندگی ضایع شده آنان گواه این حقیقت است و قدر مسلم اینکه در حفظ و تحکیم آن رژیم هیچ نقشی نداشته اند ...

ندارد، بدین برخوردی با او کرد و دخترش را بست. بعد از اینکه خودشان را تصحیح گفته بودند، مسئله را طرد میکردیم طرح کردند و جبهه را غیر دموکراتیک خواندند و خود را اقل دموکراتیک تیک جبهه از آ دیدنشان را به نام میزدند، ما گفتیم اگر او افسار شما دموکرات هستیید میاید در کنگره شرکت کنید، مخالفت کردند. در سال ۷۶ به ایشان گفتیم که شما با انشعابات جدیدی روبرو خواهید شد، همینطور هم شده در سال ۷۶ جناح نظامیان

۲- تسبیحان های بی درسی از ناصری که به قاچاق مواد مخدر متهم بوده اند، و با شلاق زدن مناسرت ملوک و دربانده به عنوان اجرائی حد سرت و با ... نمونه های دیگری است از آخرس دشمنان و راهای دادگاه انقلاب. و حال آنکه این مسائل (سرتقهای این جنبش و قاچاقچیکری و ...) هم اساساً "راشده نظام ظالمانه و فاسد گذشته، و بطور کلی ناشی از وجود استعمار، فقر، بیکاری و دیگر ناراحتیهای اجتماعی است، و طبیعتاً تا وقتی آن ریشه باقی نماند این قضایا هم ادامه خواهد داشت و درافساندن با این افراد وامانده هیچ دردی را دوا نمی کند. خصوصاً که می بسیم نزدان و فاسدین خیلی بزرگ آزادانه می گردند با آزاد میشوند.

بدیهی است که آثار زبانتار ماسد فوق الذکر (سرتق، فحشا، ...) انگار ناپدید و محو و اصلاح آنها از حدی ترین و مقتدرترین خواستهای هر مناصر انقلابی است. که البته در یک مسیر صحیح و انقلابی همراه با ازین رفتن عوامل وجودیشان از بین خواهند رفت.

بنابراین وقتی به برخورد داد - های انقلاب آزاد می گردیم، منظورمان توجه دادن به سیر نزولی و انحرافی آنها است (یعنی برداشتن آنها به مسائلی نیست، بهیچوجه در شان و صلاحشان نیست. آسیم با تکل و شیوای کاللا فقط نا -

و جالب تر اینکه در موارد فوق - الذکر هم) با شیخ الاسلام زاده ها برخورد متفاوتی میشود. اگرچه در مقایسه با دیگر جنایاتش این اعمال کترین جرم - های او به حساب می آید.

۳- زرمه ها و شایعاتی بر سر زبانها است دایر بر اینکه دادگاههای انقلاب بزودی به تعقیب سائلی نظیر گرانروشی، و از این قبیل خواهد پرداخت. که به خوبی یادآور برخوردهای آریاچسری است که هر چند وقت بیکار با جنایات دادگاههای رنگارنگ خود، به جان زحمتکشان و اصناف بی افتاد، تا سلا مسأله تورم و گرانروشی را حل کند!!

چرا رسیدگی به پرونده شیخ الاسلام زاده به تأخیر افتاد؟
از اینها گذشته طول کشیدن چندین ماهه پرونده شیخ الاسلام زاده در کنار اعدام شدنش، سخاوت رسامی را مطرح میکند. سخاوتی که شاید جوانان را در صحتها و زرمه های خصوصی تر پیدا کنیم!!

بقیه در صفحه ۱۱
تحت عنوان "جبهه التحریریه" انشعاب است. عثمان صبی یک تشکیل کار شرکت ۵۰ نفر درست کرد، او امین را گذاشت "تهروی" بوده ای برای آزادی ارتبه، اکنون هم در ماه سوم ۷۹، نیروهای که در داخل به وی وابسته بودند او را محکوم کردند و او را جدا شدند. الان خودش ما نده خودش و در سراج بزم میبرد، تا بدما زرمه خواهد سازمانی برای خودش بوجود بیاورد. کسی چه میداند!

جاهلی و ارتجاعی را کلاً سَنَد نمود. بافتاری و سرخستی شخص پیامبر بعنوان پرچمدار این مبارزهٔ مکتبی سرری " اصول " و بنیادهای اسلامی چیزی نبود که برکنی پوشیده باشد. بنابراین برای کسانی که خواهان بازگشت به دوران جاهلیت و احیای امتیازات گذشته بودند، هیچ چاره‌ای جز این نبود که در لباس اسلام و با تظاهر به مسلمانی و بیعت با خلیفهٔ اسلام به این خواستهٔ خویش جامهٔ عمل ببوشند.

بهر حال با گسترش انحراف، فاصلهٔ طبقاتی و امتیازات طبقاتی و بهره‌کشی به اوج خود رسید. کار بجای می‌رسید که بر فراز مشرق اسلام گفته شد: " ما احتیاجات خود را از بیت المال برمی‌داریم، اگر چه عده‌ای مخالف باشند " (امام علی جلد ۲) این سیاست‌ها باعث شد که کم‌کم تضادهای طبقاتی سرازیر نمایند. بتدریج نطفه‌های یک مبارزهٔ توده‌ای در مدینه بسته شد. مجاهدین رزمندگانهٔ چون - ابوذر و عمار هم‌چون مقاومت را در برابر انحراف برافراشتند. اما ارتجاع با توسل به خشونت و شیوه‌هایی نظیر شکنجه و تبعید به سرکوب آنان پرداخت. مجاهدین نیز وقتی که امکان فعالیت علنی نیافتند، به مبارزهٔ مخفی روی آوردند و آنرا شدت بخشیدند. بخصوص که دست مومنان سردمدری و ضد اسلامی رزم اموی را پشت سر این جریان مشاهده می‌کردند. مبارزهٔ کثرت‌تودهٔ همه‌جانبه‌ای در مدینه بوسیلهٔ انقلابیون سلطان برپا شد. و اخبار آن زمان به زبان گشت ولی مناصر اصلی و رهبری‌کنندهٔ آن ناشناخته و از دسترس عوامل ارتجاع دور ماندند.

... مردم پس از پیروزی انقلاب برای چهارمادینی در بارهٔ سرنوشت انقلاب و ابر رهبری جامعه در مسجد گرد آمدند. عمار در میان جمعیت انبوه برخواست و گفت: " سرانجام راهی را که دیروز پیموده شد دیدید. شما اگر امروز در امور خودتان نگرید و قاطع و هوشیار نباشید در شرف دچار شدن به چنان سرنوشتی هستید... روز بعد از انقلاب، مردم از مسجد بسوی خانه علی راه افتادند. طلحه و زبیر نیز در میان آنان بودند. علی در خانه‌اش گوشه گرفته بود. مردم فریاد برمی‌آوردند که او ختم " کار را بدست گیرد و بهشتیان را نبذیرد. (خطبه ۵۳ فرات ۱ و خطبه ۲۲۰)

امام علی نقطه نظر ها و موضع خویش را در برابر انحراف بیان می‌کند

در این موقع است که علی به بیان نقطه نظر ها و تحلیل خود از شرایط موجود جامعه می‌پردازد. و مواضع اش را در قبالت و خیالات و جریانات انحرافی بیان میکند. او در ضمن سخنانش تصمیم خود را مبنی بر حرکت بر طبق اصول و معیارهای مکتبی اسلام می‌دارد. و خطاب به جمعیتی که می‌خواستند با او بیعت کنند می‌گوید: " ما کاری را آغاز کردیم که دارای ابعاد و رنگهای گوناگون است. نه مقلبان زیر بار آن می‌روند و نه دلها بر آن استوار می‌شوند. آفاق را ابر سیاه فرا گرفته و،

راه روشن تغییر یافته است. بداندید اگر من دعوت شما را ببیدم، مطابق آنچه درست می‌دانم، رفتار خواهم نمود... (خطبه ۹۱)

آنچه که بوضوح در سخنان فوق پیداست، اینست که علی بخوبی از این امر آگاه است که انحرافات موجود در بنی سیمت گذشته بحدی عمیق و ریشه‌دار است که تصحیح آن مستلزم یک دگرگونی بنیادی در کل مناسبات اجتماعی بوده، و نیاز به یک مبارزهٔ طولانی و بی‌گسار دارد. مبارزهٔ دراز مدت و ایدئولوژیکی که سرنوشت آن هرگز در یک لحظه و با یک هجوم با بورش تعیین نمی‌شود. بلکه این سرنوشت را تسلسلی از لحظات می‌سازند که در مجموع به عقیدتمنی ارتجاع و نعی مناسبات کهنه می‌انجامد.

راهی که به پیش و تقوای انقلابی نیاز دارد

این راهی است بسیار سخت و دشوار و پرفراز و نشیب که بسیاری را تحمل پذیرش ناامیلات آن نیست. خیلی‌ها توان و آمادگی لازم برای پیرون آیین سرفراز و پیروزند از درون این عهد و خم‌ها و قنقه‌ها ندارند. بسیاری در اثر پامدها و عواقب موضکیهای قاطعه و انعطاف‌ناپذیر و مبارزهٔ اصولی او، بالا و پایین شده و تعادل و استحکام خویش را از دست می‌دهند. آنها که قدرت تطبیق و شکبایی و تقوای انقلابی ندارند نمی‌توانند مشکلات را جان خریدند " دل بر آنها استوار دارند. " (ل ل تقوم له القلوب) همین طور است و وضعت کسانی که از شناخت مسیق و پیش‌نیاز لازم برای تجزیه و تحلیل برخورداری نیستند. (و لا تثنیث علیه القلوب) علی سیرت بر انبوهی از مشکلات و روابط با سالم و طبقاتی گذشته است. ولی او کسی نیست که از سختی بهراس افتد. چه از همان لحظه نخست تهدید اصلی را نیک دریافته و مضم است که با

حمله به جلسات، میتینگها، کتابخانه‌ها و پاره کردن اعلامیه‌ها، عملی غیر اسلامی است این کار بوسیله عناصر فآگاه یا الت دست انجام میشود

آن به یک کویج و محله محدود نمیشود، بلکه با بخش بزرگ و بزرگمافی آن در کشورهای، علاج بعنوان یک حربه سیاسی علیه رهبری انقلاب، مردم ایران و مکتب اسلام بکار گرفته میشود. جمعیتی که با شعارهای بی‌در پی " درود بر طالعانی " ایشان را تا پای میکرومون همراهی کرده بودند سراپاگوش از نصاب پدران مجاهد بزرگ، همچون شتغای که از حام وحدت بنوشد سیراب میشوند. در خطبه اول از مضمون تقوا یاد کردند و در خطبه دوم بعد از بررسی ابعاد ایدئولوژیکی خطبه، در زمینه تسبیح بنیای شناوری و حرکت هدفدار جهان به سوی نهایت مطلق هستی، سخن گفتند. ایشان با تعبیر زیبایی فرمودند: انسانها هم با شناکردن (تسبیح) در طوفانهای ابواج اجتهای به ساحل نجات خویش میرسند. بعد از این ابعاد سیاسی خطبه را با تشریح وقایع کردستان و ارتجاع نمودهای برای وحدت مردم سا برادران کرد بیان نمودند. صفهای مشرده جماعت بعنوان یک

فاطمیت در برابر انحراف بایستد. و از دستاوردهای انقلاب حرالت کند. حرکت عادلانه به بر بنیای اصول آنگاه در همین خطبه خاطرنشان می‌سازد که " اکثر من دعوت شما را بپذیرم، تنها مطابق آنچه که درست می‌دانم، رفتار خواهم نمود " یعنی سببها و ارزشهایی که بر حق و مطابق اصول و معیارهای مکتبی است پیاده‌مواهم کرد. و الا اگر فراتر باشد که مکتب و اصول اساسی در معرض نشیبد فراتر گیرند. و راهی را بخواهند پیشباید کنند که حقیقت و ایدئولوژی در آن قربانی شود، " به سخن هیچ‌گونه و به سرزنش هیچ توبیخ‌کننده‌ای گوش نخواهم داد. " (خطبه ۹۱ فرات ۲) سخن دیگر هیچ مصلحت و منافع را در برابر ارزشهای مکتبی و " اصول " ترجیح نخواهم داد. هر چند که این استنادگی، سرزنش و دوری برخی را نیز بدنبال داشته باشد. با موجب شود که حمایت‌هایی را از دست بدهم.

در حقیقت اینجا یک تضاد اساسی است که علی به شیوهٔ انقلابی و مکتبی با آن برخورد می‌کند. تضاد بین اصول و میراث ایدئولوژیکی سنت شهید،... از یک طرف، و داشتن و حفظ نیروهای که اینک بر اثر قطع امتیازات در آستانهٔ پراکندگی و دورشدن از علی قرار گرفته‌اند، از طرف دیگر. همان انتخاب دنوار میان " حقیقت " و " مصلحت " که بارها و بارها در تاریخ چنین‌ها، رهبری را در معرض یکی از همین‌کننده‌ترین آزمایش‌ها و اختلالات قرار داده است. اما علی (ع) علیرغم این توبیخ‌ها و با نصیحت‌ها مضم است که " اصول " و تصدات و رسالت مکتبی خویش را بر همهٔ مصالح و منافع زودگذر مرجح شمارد. و به هیچ قیمتی از آنها عدول ننماید. حال بگذار هر که در " اصول " با او نیست از اطرافش برود، بگذار -

آیا انقلاب نیکار گونه...؟

بقیه از صفحه ۲ حرکت اصل و مترقی مردم بود که خواهان عمل انقلابی از دستگاه رهبری بودند. دستگاهی که در موضع غیر-انقلابی خود (بصراحت اعترافش) باقی مانده و حرکت لاکمپتی اش دست و پاگیرش میشود. تفاوت و اختلاف خط مشی‌های انقلاب ایران و نیکارگونه را پس از بشر رسیدن بایستی ناشی از ذات و ماهیت این دو انقلاب دانست. هر چند که انقلاب نیکارگونه دوران نوزادی خود را طی می‌کند. و لذا بایستی با احتیاط نسبت

بقیه از صفحه ۴ مصاحبه مطبوعاتی در ستاد...

کنورمان را بعد از تصویب طرحی از قبیل نظام ثورای تیره میسازد. با توجه به این حقیقت ما با سوالی از دکتر سامی نظر جا ما را دربارهٔ نسوه برخورد با توطئه‌های امپریالیسم بر علیه خلق ایران جوابا شدم. ایشان ضمن تاکید مجدد بر ضرورت گسترش آزادی‌ها، بویژه آزادی عقاید و نظرات، بعنوان یک وظیفهٔ مکتبی و اسلامی گفتند: " در صورت توطئه امپریالیسم اسلام‌راه جهاد را برای ما باز گذارده است. " ***

" حیات " و " مرگ انقلابی " و " شهادت " تبیینی بهتر از این نمی‌جوئد. پیروزی یا شکست در ارتکبیت نیروها نیست برای علی بعنوان یک موحد انقلابی، بهیچ‌وجه طلب حمایت این و آن و بدست آوردن کمیتی که به سبای خدشه‌دار شدن ایدئولوژی و اصول او هیچ اشکالی ندارد که با الهای سال با حفظ مواضع و اصول توحیدی خویش دور از هرگونه قدرت سیاسی و توهمات مربوطه آن، حتی در کوشش‌ها و غن‌نشین شود، اما اصالت و خلوص ایدئولوژیکی خود را حفظ کند.

علی قرار گرفتن در یک اقلیت با خط مشی اصولی را با حفظ اصالت مکتبی و هویت ایدئولوژیکی خود، صدها بار بر تبدیل شدن به یک اکثریت قدرتمند حاکم در ارتجاع و استحکام و خلوص ایدئولوژیکی برخوردار نیست ترجیح می‌دهد. زیرا او بخوبی آگاه است که چنان اقلیتی به دلیل حقانیت و مواضع اش، در دراز مدت رو برسد و بالنده است. لیکن چنین اکثریتی بدلیل پشت‌پازدن به ایدئولوژی، هیچ آیندهٔ تاریخی نخواهد داشت. و سرانجامش تجزیه و انحطاط و ارتجاع می‌باشد. در این مورد علی در خطبهٔ ۱۴۶ خطاب به رهبران در هنگام عزیمت به جنگ با نظام ایران، گفت: " در این مبارزهٔ پیروزی با خواری و شکست، به انبوهی لشکر با کمی تعداد سپاهیان نمود. و نیست اس ماهیت بر حق و تکاملی مکتب است که غلبه و برتری آنرا تضمین کرده است و به نیروی حقیقت است که رزمندگان ما بر علیه دشمن کمک می‌شوند. و اما آنچه راجح به بسیاری مدد سپاهیان ایشان ذکر کردی، بدان که ما پیش از این با آنها به بسیاری لشکر جنگ نمی‌کردیم، بلکه به کمک و تأیید حق، به میدان بیکار می‌آمدیم... "

به آن اظهار نظر کرد. انقلاب نیکارگونه با قدرت و قاطعیت شهادت تکیه به تودما و واگذاری امور به خود مردم را داراست. و از طریق اطمینان به اصالت خلق، نه تنها با فشار آنها حرکت نمی‌کند بلکه در خطوط مقدم مبارزه، نقش پیشانی خود را ایفا می‌نماید. انقلاب نیکارگونه با آنکه به مبارزه سازمان یافته و مسلحانه راه خود را با آنکه به پشتیبانی خلق طی میکند. همان پشتیبانی که دولت موقت ما هم بدرجائی بالاتر از آن برخورداری بود، ولی بدلیل ضعف محتوایی خودش نتوانست از آن استفاده کند. و لذا در هر قدم خود را در مقابل موج خواسته‌های برآورده نشده، منفرد و تنها می‌یابد.

روح حاکم در نظرگاههای...

و اصول به جامعهٔ طبقه توحیدی درکی ذهنی و ساده‌اندیشانه نداریم. عبارت دیگر بکن به این جهت انداز برافراشتن تاریخی چیزی نیست که هم اکنون و به سادگی میسر باشد. یکی از این افق درخشان پس از فرار و تشبها و گنگاشهای سرزرتگی روی سید که ما هنوز در آغاز یکی از آنها بسر میبریم مشکلات تاریخی عقیم چنین احتیاجی به گهنور میان ما و آن‌ها سال و صدها قیام فاطمه است یک به یکو بگونه " اللهم فالله " حل میشوند. ***

آیا فیلم Z

در ایران تجسم عینی می یابد

مشهد و از همین جا فیلم اوج میگیرد... رژیم سوسیالیست کردن خون دارد و با رذالت تمام با بکار گرفتن تمام امکانات، ما موزان سرسپرده، دادگستری سرسپرده، عوامل مل مرتجع سرسپرده و... تلافی می کند ولی نهایتاً شکست می خورد و مفتضح می شود و رو شدن پرونده به سقوط دولت و - مناکمه جانین دست اندرکار می انجامد و در اینجا است که امپریالیسم دولت سرسپرده طبق معمول (که سنت همه جانین و استثمارگران غد خلق است) چهره خشن خود را نشان می دهد و بیا کودتای خونین خلق را خون می کشند و -

نماینگر اوضاع سیاسی اجتماعی یونان قبل از کودتای سرهنگان است. هر چند که در خود فیلم به تعدد به این مسئله اشاره ای نشده، ظاهراً حکومت وقت به آرا و احترام میگذارد ولی در پشت پرده همه آنها که کاره ای هستند و عروسک هاشمی دموکراسی ظاهری ویی حسابی راه می رود و وجود داشت ناسود می کنند (برای مزید اطلاع به کتاب یونان سرهنگان رجوع کنید)..... فیلم تا آغاز کودتای نشان می دهد.

فیلم Z را می توانیم بر روی دو سبب اصلی آنچه برای ما مهم است تجربه اندوزی و کسب بصیرت و آگاهی ارییده - ها است و نه گذرایی و سرگردم کننده بنا بر این با توجه به نقش و سیاست های جدید امپریالیسم و ملکردهای آن که تا پایان دراز مملکت ما را در چنگال خود داشته است. می تواند ما را متفکر بنا سازد. آیا در ایران آمریکا می تواند سرسپردگان نشان در فکر تهیه Z دیگر منتها دفع تر و بزرگتر در ایران نیستند؟ غیر برای آنها که ایران و یونان تفاوتی ندارد. آنچه مهم است سودا و بی و در راه آن بیبر جنایتی دست می زند، صوما با پایگاه های نیرومندی که بوسیله ارتجاع و مناصرتربیت شده خویش دست پا کرده اند و نهاد های که با زیرکی تمام ارتلاقی آن جلوگیری کرده و بدلتن کرده اند.

حوادث ماههای اخیر، تجسمی از فیلم Z به روایت ایرانی آن:

آیا... در ایران تکرار شدنیست؟ حوادثی که در طی چند ماه اخیر در این مبین رخ داده است بظاهرا پاسخ سوال ما را روشن می کند. حمله به

بقیه از صفحه ۱۲ (به بهانه دیدن فیلم)

اجتماعات توسط تیغ کشان و مریده جوان حرفه ای، توطئه علیه افراد و نیروهای مترقی و انقلابی، اغلال در روند روبه توسعه انقلاب تحت پوشش های رنگارنگ، نشان دادن شناخت فاشیستی، در توهمین و افترا. به دادگزاران انقلاب، رفتار توهمین آمیز و جعل و تحریف خبر توسط رسانه های غصب شده جمعی، و در پس همه اینها حساب شدگی و نقشه ریزی برای یک سو، استفاده موافق بهانه از احساسات پاک مردم و... همگی این مسئله را نشان می دهد که Z آهسته آهسته در این مبین تحقق می یابد. در فیلم، نیز با چنین فرادوا جزاب شبه فاشیستی و تماماً فاشیستی وریشه داشتن آنها در دولتی با مصلح ملی و رزمی یا مصلح دموکراتیک رو بر رو هستیم. در آنجا نیز برای گروه های مترقی مجال نفس کشیدن و ایستادگی عقیده باقی نمانده است هر گونه مدای مغالفتی با مارک ضد انقلاب و ضد دموکراسی و کمونیسم و جاسوسی مبرم می خورد.



این مبین تحقق می یابد. در فیلم، نیز با چنین فرادوا جزاب شبه فاشیستی و تماماً فاشیستی وریشه داشتن آنها در دولتی با مصلح ملی و رزمی یا مصلح دموکراتیک رو بر رو هستیم.

در فیلم رهبری ارجحاً با نام لیسرا ل سیاسی برای ایران نامی به شهری که عملاً مشخص نمیشود و این خود گویای این مطلب است که شهر میتواند هر گماید دیگر نیز باشد - وارد می شود. دولت با همکار ریالیس و مناصرات، ارتجاع می بخواد به هر وسیله که شده نگذارد این سفرانی انجام گیرد و از همین جا اشکال تراشی ها و سنگ انداختن وزیر سیلیسی در کردن ها آغاز میشود. مغالفتی سفرانی بعنوان نمیل یک حرکت مخالف بطور عمد می آید از پلیس، لهن ها می آید و هر جایی و مرتجعین که مستقیماً منافع خود را در خطر می بینند. اینان نیز بحسب معمول از - کانال قانون " وارد شده و باز هم ثابت می کنند که دولت بی طرف، آرزو سفره و بیوجی است، و در جریانات سیاسی و اقتصادی خواهی نخواهی دولت و قانون از طبقه و قشری دفاع میکند که خود از آن است، و نمونه های متعدد چنین بر عوددهای نیز در همین - یکجا که اخیر در کشور ما کم نبوده است.

آنجا... اینجا... وحدت دو منطق: بعد از انجام سفرانی رهبر جناح مخالف که سفرانی کرده است با توطئه ای حساب شده و از قبل تعیین شده توسط یکی از "لمین های ضد -

اظهار نظری نکردیم تکلیف سعادتی را باید دادگاه تعیین کند و میباید... می بینیم که در هر دو جناح فاشیسم و - ارتجاع یکی ست. اما پاسخ سوال ما را که Z در ایران تکرار میشود در منطق فاشیسم تمیهد. بلکه پاسخ را باید در شرایط خاص ایران و وضعیت نیروهای سیاسی جستجو کرد. آیا از این نظر هم وضعیت ایران (مجموعه شرایط عینی و ذهنی) با شرایط فیلم " Z " یکی است؟ اندکی وقتی ملاحظه میشود که کیفیتاً "بهم فرق دارند، و به همین دلیل نیز Z در ایران قابل تکرار نخواهد بود. در Z جناح مخالف لیسرا ل هاشمی بودتکه آشکارا تردید و دولتی نسبت به جنبش و عقابیت خودشان در چهره ها نشان



اظهار نظری نکردیم تکلیف سعادتی را باید دادگاه تعیین کند و میباید... می بینیم که در هر دو جناح فاشیسم و - ارتجاع یکی ست.

Z به روایت ایرانی آن...: دنیای سرتاپا دروغ و تحریف شده اغیار و مسائل نیز که هست. آنجا مارک ها و قیمت وابستگی است و جاسوسی و کمونیست بودن و... در حالیکه رهبران مخالف هیچکدام کمونیست نیستند. اینجا هم هنوز توطئه مشترک ساواک و سیا و ارتجاع در مورد "سعادتی" ختم نشده است. آنجا در کوچه پس کوچه ها "افراد ناشناس" به مغالفتن حمله می کنند و با منطق چوب و چماق شروع به نصیحت کردن می کنند و اینجا نیز همین است. آنجا با سردی دادستان جوانی که بجای دادستان اول مسئولیت رسیدگی به پروفسور را بعهده گرفته توطئه رو میشود. حدود قفله از قتل تصادفی یک نفر را ترغیب و با اینجمن های مغنی با مصلح مذهب و کلیما و پلیس و - دادستان و... میان می آید و اینجا نیز از دستگیری یک "جاسوس" یک مرتبه ردیابی کسانی پیدا میشود که از اغلال در روابط ایران و آمریکا - و جهت رده اند. برای سفارتها میان می آید برای سرغورد های فاشیستی عوامل نفوذی ساواک در نهاد های که میتوانند مردمی با خند بسیار کشیده میشود. مدارک جاسوسی حسای خود را به مدارک "توطئه" می دهند، و حضرات و حشمت زده یکبار به اعلام می کنند که ما

درد.....

این درد را با که بگویم؟
وقتی پیمان دروغین،
میراث خون هزاران شهید را،
با قصه های نامردمانه،
سبازج می دهند!

این درد را با که بگویم؟
وقتی بی پایگان نورسیده،
با ذکر آیه های نپاهی،
سد صوفی خلق راه،
پاره پاره میکنند!

این درد را با که بگویم؟
وقتی رسالت توحید،
ارثیه مقدس خونین نسلیها،
له میشوند،
بزرگدگهای افترا!
بی آنکه شرم کنند،
حتی ازهای های ضمه شلاق خدیجه!
در خفونک ساکت سلولهای اوین،
یا حرمت تلاوت لا اله الا الله!
در صحنه سرخ چهارم خرداد.

این درد را با که بگویم؟
وقتی که حرم رهائی،
بیبوده، بیوج، عبث!
گم میشود، در انزوی تلاقی باید!
بی آنکه گرم کند،
حتی، ای جای کوچکتر ندان شهر را!
- در جمع زجر کش کارخانه ها،
حتی نان؟ و روان شهر، نیز
- محکوم گشتگی خویش می شوند!

این درد را با که بگویم؟
بار رسالت سنگین عصر سرخ!
و مانده همچنان،
باری عظیم!
باری گران!
- این خرمن امانت عمر استیز خلق!
این بار خفته های سرخ جهاد مجاهدین!
- درد دنگ، دنگ سرگاه چنگر،
با در عروشه میبند تخت آهنی،
در جزو جزو چربان سخت سر!
- این حال صلح هجوم غشیتاک خلفا،
در چو پوتا به بقیه تلخ تیربار!
- این موج خون خروش غشمتین!
بر سنگش گویهای تپ آلود شهرها،
سنگین و کوهکن!
مفرور و استوار!

این درد را با که بگویم؟
باری عظیم!
راهی گران بویست تاریخ،
- پیش پای!
این پیکر شکسته مجروح!
این بویچ شقیه مقدس!
با دگر خون!
حقیقت پیمان!
بردوش!
اپنگ چریک مجاهد فراد میزند!
هان گیت با منش پیمان همی؟
هان گیت با منش آندوه خلفا!
هان گیت با منش فریاد خستگی!
هان گیت منتظر!
هان گیت؟
- من درد می کشم،
این درد را با که بگویم؟

رهائی خلقها...

بقیه از صفحه ۱۲

خلفهادر برهبری نظامی نوبن بود . واز طرف دیگر ایدم توانایی امپریالیسم برای سلطه جابزانه خود بر خلقها وحصل سیاسی آن نشأت می گرفت .
فره می دبری موجب تشنیتی امپریالیسم بحدی بود که کینتر از یک موضع تدافعی چشم آریساری کشورهای مانیتر پویوشد . وسایست خود را بر مزیزندی مان کشورهای وابسته فرب و مخالف آن استوار ساخت و تلاش خود را بر این اساس استوار ساخت که بیوز ترتیب شده واستکان یارد گواه فرب را حفظ کند . مزیزندی تنگ نظرانه ای که تنها هدفش حفظ نظامهای وابسته بود اما پیروزی بیایی جنبش نشان می داد که خلقهای مباحات فرادیکریسی توان به هم میز کشید و مهار کرد .
طراحان سیاستهای امپریالیستی به این اندیشه افتادند که طرح نویینی بریزند تا همی اراواح انقلابات ضد امپریالیستی جلو گیری کنند و هم رومانانی بوضع نیاسد . مان اقتصادی بدنه خود برای بحران امپریالیسم چاره ای بیابند .
برای روشن کردن مسری که همچار خواران یافتند و نیال می کنند قسطنطی ارکتاب سازمان محاهدین خلق را که در آیندهای نزدیک منتشر خواهد شد در نظر نام می گذاریم .

کمیسیون سه جانبه و خطوط مورد نظر آن

همزمان با اوج گیری بحران ، بهیشتاد دوسه روز اکتوبر ۱۹۷۳ جنس مانها تان بانک کمیسیون برای بررسی اوضاع و جتجوی راه حل تشکیل می شود . اعضا : ترکیست کنده در این کمیسیون را حدوده ۲۰ نفر اربزرگترین سرمایه داران و سر حسته ترین روشنفکران و تئوریسین های سرمایه داری تشکیل می دادند که از آمریکا ، اروپای غربی و ژاپن بودند . درست همین دلیل نیز کمیسیون سه جانبه مشهور شد . ۷۰ نفر آنها از آمریکا و بیغنه اروپا و ژاپن شرکت کرده بودند .
در این کمیسیون اعضا شرکت کننده به بررسی تمامی مسائلی که جهان سرمایه داری ناان روبروست (جه مسائل سیاسی ، چه مسائل اقتصادی واجتماعی) می بود . ایزد . برمسای تحلیلی کار تراشیست به عملی آوردند . خطوط تازه ای را بر سر ای جهان سرمایه داری بی بریزید .
تئوریسین اصلی این کمیسیون زیستگینف برزیسکی است . او که لهستانی الاصل است ، کار تان مسائل بلوک شرق (بویزه شوروی) می باشد . او در ضمن دارای تالیفات بلوک سرمایه داری ، و هم کار تریزیکتی از کسای است که در این

کمیسیون شرکت می کند (التهیستراز)

این موضع کنهت به خطوط کمیسیون آشنائی لازم را پیدا کند ، ناز موضع نظر دهنده موع دهنده ، تا با اساس خطوطی که تعیین می شود . بتواند به خوبی در آینده منجری سیاست آمریکا باشد . (چه از نظر داخلی و چه لحاظ خارجی)
کمیسیون بعد از یک بررسی دقیق اوضاع بلوک سرمایه داری و بلوک شرق و هم چنین کشورهای تحت سلطه (معنی خلقهای جهان سوم) ، به یک سری نظر گاهها در رابطه با مسائل فوق الذکر می رسد این نظر گاهها مستی بر چند ایدیه اساسی است ، که به یوزه مد نظر برزیسکی می باشد .
جمع بندی فرلهام سوئی جدید از اوضاع جهانی
ایدیه های مورد نظر کمیسیون سه جانبه بر ترتیب از این قرار است .
۱- نظام قدیمی جهان مرکب از ملل صنعتی فرب ، بازارهای استعماری ، از هم یاشیده است . و جای آنرا کشورهای بسار ، که اغلب بیژ توجه منافع هستند گرفته اند .
۲- جهان افزایش جمعیتی تاریخی را تجربه می کند ، که فشاری عظیم بر بر بنیاد اجتماعی حتی ملل مرفه فرب وارد می آورد .
۳- به سبب ارتباطات نویسن و افزایش سواد ملل در حال ظهور ، آگاهی های سیاسی ای جوانمزد است ، که با تلاش مردم برای کسب حقوق انسانی خود ، اوضاعی " انفجاری " پدید آمده است ...

(این دیدگاه و تحلیل نشان می دهد ، که آسوا وضیعت انقلابی کشورهای تحت سلطه را ، در یک کردارند)
بر اساس معیندی فوق الذکر است ، که برزیسکی باین نتیجه می رسد که : " کاری که ایالات متحده می تواند بکند ، گوشش برای انداختن تسولار مسراشوب و هر چه مروج به مسراشغال سلط است " . البته از نظر آقای برز - یسکی انقلاب خلقها یعنی تحول مروج مروج گونه ، و اشتغال منظم یعنی مهار کردن انقلاب با حرکات زفریستی ، به شکلی که در نهایت به منافع امپریالیستی فربه اساسی بخورده ، و کشور مورد نظر از اردو گاه امپریالیستی خارج نشود .
بوظیق نظر او ایالات متحده باید نشان بدهد که " حاضرات عاجاست خواستهای جهانی که هر روز آهنگ تندتری می یابد ، کمک کرده به آن جهت منستی بدهد ... "

... دیگر تفهیمید چه می گوید ؟
بضم ترکیب و سکوت به فریاد تبدیل شد ...
زندگی منحل و برخطر حاضمانی .
همان چیزی بود که سید به دنبالش می - کنت . او همیشه از یک زندگی ماکن ، مرفه و هم چنین روزمرگی گریزان بود . مگر یک موجد واقعی می تواند لحظه ای از حرکت و مبارزه در جهت آرمانهای بی نهایت دور خود عبودیش دست بردارد و به مومنتیها و موفقتهای کوتاه و رود - گذر و ناپایدار قناعت کند ؟

استشکار گرانمان . در رابطه با خلقهای جهان سوم ناان مواجاند ، برزیسکی و باران وهفکرانست نظیر اندرویا بنگوواس به نقاط ضعف واكثالات بلوک مقابلس (بلوک شرق) به خوبی آگاهی دارند . یعنی اینکه بخوبی می دانند که :
۱- بلوک شرق از نظر تکنولوژی در مجموع خیلی عقب تر از بلوک فرب می باشد . این برتری تکنولوژیک باعث می شود ، که کشورهای جهان سوم وحشی بلوک شرق (بویزه شوروی) ، محتاج کنکها ی فنی واقتصادی بلوک فرب (بویزه آمریکا) باشند .
۲- اینکه کشورهای بلوک شرق نتوانستند ، مسائل اجتماعی واقتصادی را چنانکه وعده داده اند حل نمایند ، لذا بر این اساس هنوز گزاشتی به سمت سر - مایه داری ، در این کشورها وجود دارد (نمونه " سولزسین " هاد شوروی) .
چهره تیره امپریالیسم آمریکا
در ضمن آن ها به خوبی آگاهند ، که حمایت یکجانبه آمریکا از رژیم های دیکتاتور و خود کامه (نظیر ایران) ، و هم چنین چندین سال درگیری در جنگ ویتنام که به کشته شدن و آوارگی مایسون ها منجر انجامید ، چه به ضرر دوستانه آمریکا ، و چه به نفع آن ها ، و می رود که تمامی خلق های تحت ستم ، امپریالیسم جهان فخور (سرگزیدی امپریالیزم آمریکا) را ، به مثابه دشمن اصلی خود ببینند . اگر چه همان طوری کمی ، دانیم ، با استعمارگران جدیدار

آیه الله طالقانی در سفارت فلسطین همبستگی خلقها جاودانه باد

و اسرائیل قاصب و نژادپرست ، از ستم واکشش شدید مردم مسلمان ایران همواره پنهان نگاه داشته میشد . آقای طالقانی در هرجا و هر فرصتی که دست می داد نفوذ گسترده و همه جانبه اسرائیل و صهیونیسم را در دره شتون کشور برملا میکرد . و مردم را از حضور مستشاران و کارشناسان اسرائیلی در همه امور سلطنتی ، از امور نظامی و امنیتی گرفته تا اقتصادی و کشاورزی آگاه میکرد و



در این عکس مسعود رجوی را همراه با سفیر سوریه و سفیر الجزایر در سفارت فلسطین می بینیم .

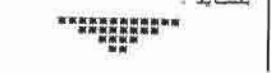
آتش خشم مردم ما را بر آرمیان میساخت آتشی که از غیرت سبب اسرائیل تاخالفتر و صهیونیستهای نژادپرست ، و از احساس مهر و نزدیکی نیست خلق محروم و رزنده فلسطین سرچشمه میگردد و متوجه رژیم شاه بهتدو زریسی که سون پنجم صهیونیسم در منطقه شناخته شده بود ، مردم سیاد دارند که پای صحبت آقای طالقانی نشسته باشند و ایشان اشاره ای به سئاله فلسطین ننموده ، و دفاعی از آرمان مقدس

انقلاب خلقهای ایران و فلسطین جدائی ناپذیر است

دادگاه انقلاب...

تجربه از صفحه ۸

و این در حالی است که دادگاههای انقلاب در همین روزهای اخیر افرادی را به جوعه اقدام سیرد ، افرادی که هنوز بکرور از دستگیری و بازداشت آنها نمی گذشت !!
نمونه دیگر ، برخورد و موضعگیری در قبال حادثاتی است که دیگر نیازی به توضیح ندارد .
بر این اساس مجدداً تأکید می کنیم که دادگاههای انقلاب از سیر اصولی و درست خود خارج شده ، و معیست در آینده ای نه چندان دور هم بصورت انقلابیون درآید .
وقتی کار بدینجا می کشد دیگر چه انتظاری از این دادگاهها می توان داشت ، جز اینکه مجازات ضد - انقلابیون را تخفیف بدهد ، انقلابیون را به بند کشد ، و برای ردگم کردن و یا مشغول داشتن مردم به جان فریبانان و درامندگان نظام فاسد گذشته بکشد ، و اینطور و اینگونه کند که دارد با ریشه های اصلی فساد و ضد انقلاب مبارزه میکند .
پاسخ سوالات در کجا باید جستجو شود
اما آنچه برای ما تعجب آور است این است که چرا این سختگیریها را در مورد چایتنکاران واقعی و جلادان رژیم روا نمی دارد ؟ !!
تناقضات واكثالات روز افزون ایس دادگاهها یکی دو تا نیست ...
آیا باز هم می توان از صلاحیت و حفاظت تمام عیار این به اصطلاح دادگاههای انقلاب صحبت کرد ؟ آیا صحنه های مکرر این دادگاهها ؟! در سیر تکرار همان سیدادگاهها و خیمه - شب باریهای مرمیاتی شاه خاشن پیش نمی رود . . . بخصوص به درجا خاشن . به خلق در آن تظهر شده و انقلابیون و پاکناخشان ، راه خدا و خلق خرابکار و جاسوس قلندار می شوند .
مگر فلسفه وجودی این دادگاهها ، قضای و نابودی سرسیردگان و مردوران خناستکار رژیم پهلوی و جیره خواران کینه کار امپریالیسم نبوده است ، و مگر این وظیفه و عملکرد اهمرم قدرتمند انقلاب در کوسنی بهایای نظام ضد خلقی گذشته نیست ؟ پس چرا از این سیر انقلابی منحرف شده ، و با مشغول شدن به مسائل جزئی و ... یک مشت واخورده و مفلوک جامعه را قسرنایی و بلادرگان دشمنان اصلی خلق می کنند ، و در عوض شیخ الاسلام زاده ها ، ساواکیها و ... بدلیل تخصصشان زنده میمانند یا آزاد می گردند ؟؟
" حاکمیت ارتجاع " (آسیم از نوع انحصار طلب آن) ، این است حوات مختصر و مفید هغه سوالات فوق هزاران سؤال واكثال مشابه در کشور مختلف جامعه ما . هر روز هم که میگذرد ، ذهنها سئاله و متفله انحرافی و ضد - مردمی جدید به آنها افزوده می شود . و این جریان همچنان ادامه دارد تا آنگاه راه تکامل و آزادی خویش را پیروز رسانده بکشاید .



گزارشی از بزرگترین کنگره شوراهای کارخانجات (۳) موضع متروقی و مسئولانه در قطعنامه شوراهای

نشانه آگاهی زحمتکشان جامعه ما است

در بررسی اسامیه کنگره شوراهای هدف آنرا ارزیابی کردیم - می بینیم که در هدف اسامیه بر ضرورت اتحاد و تشکیل بر اساس موازین اسلامی - برای دستیابی به "جامعه - طبقه توحیدی" انگشت گذاشته شد تا سبب با تأکید بر تلاش در جهت "ایجاد صنایع ملی و مستقل" و "با قطع ابادی امپریالیسم جهانی" به "مشارکت" تواریها در امر مدیریت "شرکتهای تابع و وابسته سازمان گسترش اهمیت داده شده است - تهدید جدی برای شوراهای البته باید توجه داشت که رسیدن به جوهر و محتوای این هدف اسامیه - یعنی "تفکی ستم طبقاتی، وحدت و تشکیل رنجبران" مشارکت و دیوکراسی، و استقلال" آنها با تعارض "جامعه توحیدی در شرایط کثونی فقط در یک مبارزه ضد امپریالیستی میراست - با این مفهوم که رسیدن به آن مرحله از سبب سبب مبارزه ضد امپریالیستی و ملی میگردد - زیرا این امپریالیسم آمریکا بود که برای مردم ما به حرم همن خواستها ۱۵ خردادها ۱۳۷۰ شهرپرورها را بجا گذاشت - اگر با سبب های کارخانه ها بمان نگاه کنیم - سرنوشت آن را در دست آمریکا - صهیونیستها و دیگر متحدان غربستان میبینیم - اکنون هم امپریالیسم در کمن است تا مانع رسیدن کارگران و کارمندان به حقوق حقوق قانونی شان شود - کارگران نیز مانند همکاران خلق دنیا در پرتو شناخت دشمن اصلی و مبارزه با آن متواترند اتحاد خود را حفظ کنند - چه با دشمن اصلی (امپریالیسم و سرمایه داری و استعمار) با سبب استفاده از عناصر ناگه - بخواند شوراهای را نابود سازد - و با شوراهای از محتوای اقتصادی - اجتماعی آن که نابودی بقا -

با این تهدید جدی دیگر خطر دو برابر می شود - یکی اینکه کارگران با حقوق خود نمی رسند - و دیگری اینکه با نفوذ توطئه سرمایه داری وابسته "شوراهای" میسوزند و هدفی اصلی "دارند لکه در میسوزند - نادانی است که چگونه همین سرمایه داران وابسته سندیکاها را کارگری را اوجمتوا انداخته بودند و تنها در خدمت کارگران نبود - بلکه در مواردی علیه آنان عمل میکرد - طبیعی است که در چنین وضعی مسئولیت هائیدو برابر می شود - و شوراهای باستانی هوشیارانه به دفاع از محتوای اقتصادی - اجتماعی سیاسی همگام با مضمون امپدولوژیک آن بپردازند - آنرا در جهت مبارزه با دشمن اصلی - امپریالیسم جهانی - اوجمتوا سوق دهند - نه اینکه تنها به اسم و ظاهر شوراهای انقلابی و اسلامی اکتفا نمایند - بلکه هدفی سیاسی مستقیم و خواسته های کارمندان کثنی ما از شوراهای داشتند در عمل تحقق یابد - و از حرف به عینیت درآید -

۴ مواد اسامیه
و نقاط قوت آن

مواد اسامیه می در تریسم چهارجوبی مناسب برای عملی کردن هدفهای اتحادیه دارد که در سه فصل سازمان داده شده است -

فصل اول - نام و مراکز اصلی - مدت - فعالیت - موسسین اتحادیه و شرایط عضویت

بقیه در صفحه ۴

مبارزه ضد امپریالیستی

رهائی خلقها، بحران نظام غرب

می نمود - این ویژگی بعنوان تورم سرکود توانان بود - که سازمان از طریق سبب شیوه های خدمتوری تنها بود - و نه شیوه های خدمتگویی - شد تا این بحران ویژگی آن - بطوری بود که برخی از اندیشمندان ضد امپریالیست را باین اندیشه انداخته که غرب و بخصوص آمریکا می تواند از پس بحران موفق بیرون آید -

افزایش قیمت نفت در کشورهای ما بی دهه ۷۰ نیز امپریالیسم آمریکا را با دورانی جدید روبرو کرد - دورانی که می خواهد به غارت منابع انرژی سرمایه دار سازد - به طوری که ساله انرژی را در آمریکا به یک ساله روز تبدیل نمود - بحران اقتصادی داخلی آمریکا ساله دیگری مواجهه شد که آن را یک بحران سیاسی باید نام گذارد - درگیری و اعتراض داخلی که بر سر دعوات دروینت نام بود - بحران واترگیت که منجر به استیفا رئیس جمهوری گردید - ساله کنترل گسترده با دخالت آن در سرنگونی رهبران و درگیری های متعدد دیگر - امتداد بردم آمریکا را نسبت به حکومت آن کشور و گناح سفیدت نمود -

مجموعه این عوامل درونی و بیرونی از یک طرف سرمایه داری اقتصادی نظام امپریالیستی را آشکار ساخت و از طرف دیگر پیروزی انقلابهای جهانی بخش راستم کرد - پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی از یک طرف ناشی از توسعه کمی و کیفی آگاهی بقیه در صفحه ۱۱

جا معه - عمل بیپوشا نبودند - فیلم هستند که سرنخ همگی آنها به سمت امپریالیسم آمریکا است - عمل کنیم که حکومت مقاومت تحمل کوچکترین حرکت مخالفی را نداد و در انواع تمهیدات سعی در کوبیدن و مقیم کردن تلاشها را در در همین رابطه نگاه تظاهرات گروههای مخالف که طبیعتاً در خواستهای خود محقق هم هستند با کف و خون کشیده

بقیه در صفحه ۱۵

خلقهای منطقه و جهان شد - در آسیا در کاروبینام - جنبشهای کامبوج و لاوس به پیروزی رسید و در منطقه امپریالیسم جهانی خارج شد - جنبش پیرو در فیلیپین و سایر جنبشهای منطقه آسیا - ضربه های کاری بر امپریالیسم زدند - و غول جهان عوار را بوخت انداختند -

بحرانهای اقتصادی و سیاسی سرمایه داری در کار سرمایه های که انقلاب خلقها به امپریالیسم آمریکا بعنوان سرمد مادر جهان سرمایه داری وارد می ساخت بحران اقتصادی داخلی سیستم ستم غرب نیز تهدید در درونی را فراهم ساخت - و امپریالیسم در بحران سیاسی فرو می افتد و درگیر شد - این بحران ویژگی تازه ای را همراه داشت که کل آنرا ساخت می کرد - و چاره اندیشی جدیدی را ضروری

آیا فیلم Z

به لطف سرسیردگان با قوسی مانده و لباس عوض کرده کم - کمک رویه همان سوسه ستیم - ولی فضای نیمه باز ما های اخیر ما را به فیض زیارت یک فیلم رساند - آنهم چه بود فیلمی که به حق با نا حق عنوان بهترین فیلم سیاسی تاریخ سینما را بدوش می کشد و مسلماً بهمین دلیل بوده که سالها در سرتیغ ما سوروزیم هاشن قرار داده است - نظری به فیلم:

فیلم Z بر حول محور مبارزه می گردد و طبیعتاً نشانگر تلاشهای مناصروا بسته ضد خلق نیز می باشد که همواره سعی در سرکوبی حرکتها می بردم در هر شکلی دارند تا بتوانند در پناه اختناق و فاشیسم به خواستهای خود واریا با نشان

بمبارزگستا مریکا در دوستانم خلقهای جهان سوم با زندگی خاصی از خود نتوان دادند - انقلاب در کشورهای تحت سلطه در سراسر جهان تطهیر تر شد - سربد خلقهای بی باک استرا در سراسر جهان فروراندند و در آمریکا لاتین شاهدیم که انقلاب در نیگارگوئه - بلیوی - شیلی - آرژانتین ساله روز شد - در آفریقا جنبشهای رهائی بخش بدستاوردهای سترگی رسیدند - خلقهای آنگولا - موزامبیک - گینه - بیاگوئه پیروزی دست یافتند و جنبشهای ازیتره - زیمبابوه - یاد بود - جنبش قابل ملاحظه ای کردند و از انقلاباتی مهم سرفراز بیرون آمدند - در خاور میانه جنبش فلسطین و مظلوم در بریتانیا و ای سکن قرار گرفتند - اما سرانجام نتوانستند موفق در مقابل همه - انقلاب ایران درخشش خیره کننده بخود گرفت و نقطه امید برای تمام

در ایران تجسم عینی می یابد

سالها بود که تیغ ما سبور کزمه های هنری آریا مهربان اجازه دیدن حتی یک فیلم متوسط را هم به ما نمیداد - سالها بود که مجبور بودیم فیلمهای معتدل و وحشی های غرب را ببینیم - اگر - نمیخواستیم - میتوانستیم به سینما ترویم - ولی اگر میرفتیم با ما باید شاهد کشتارهای پهلوان پنبه های سبنا و انقیلا بخت سربوس و مونا بد با شیم - با ما باید شاهد غریب را بعنوان تحفه های هنری میخریدیم و با هزارا چه روجه به میل میفرمودیم و با ما باید بهر حال آزاد بودیم میتوانستیم هیچکدام را نمیبینیم هم تصور که نمیتوانستیم هیچ چیز دیگری ببینیم ... امروزه هم گرچه

خصوصیات انقلابی بود که توانست در اواخر سال ۵۵ همراه تنی از برادران هم گروهش به سازمان مجاهدین خلق ایران بپیوندد و زندگی شورانگیز و جدیدی را برای کسب و ارتقاء ملاحظه انقلابی آغاز کند - ساد هزیستی - ریاضت انقلابی - ورزش - تماش و پیوند با توده های محروم - هر روز - حید را وارسته تراز دیروزش می کرد - مخصوصاً "طبق توبه" سازمان هیچگاه بر ناسه - شهرگردی و برخورد با طبقات محروم جامعه را فراموش نمی کرد - می دانست که فقط در یک رابطه نزدیک با آنهاست که انسان می تواند عوارض ناشی از زندگی راحت خانوادگی را از سن برد - و مشکلات و رنجهایشان را از سربزدیک آسین کند - مجاهد شهید محمد مفیدی می گفت: "در مسجد سیروشی یافتیم که در برخورد اول به او اعتماد کردم -"

مشتق زندگی سازمانی - عشق توده ها را در دل پاک او علقه و رتر کرده بود و کینه دشمنان را میبتر: "مُحَمَّدٌ رَحْمَلُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَغْنَى اللَّهُ الْكَافِرَ رَحْمَةً"

حتماً آنروز می رسد که همه مردم آگاه شوند

آنوقت حق بر باطل پیروز میشود



زندگی انقلابی و ویژگیهای توحیدی برادر مجاهد:

به صدق کلام علی (ع) که میگوید: "عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُزِنُوا" و طاً شیوه های قبلی آن کُتُوبُوا" - همواره برخوردها و رفتارهای روزانه اش را یاد داشت می کرد - و به حساب آنها می رسید - طی این حسابرسی - خصوصیات منفی را بتدریج ولی قاطعانه - در خودش از بین می برد -

به دلیل برخورداری از همین

انقلابیون راستین با شهادت خود بر مسیر تکلیف - در راه خدا و خلق - متعلق فراراه توده ها بر می افروزدند - تا مردم در پرتو آن فداکارانها راه حرکت اجتماعی خویش را بیابند - و این سببهای اجتماعی را بازگشایند -

مجاهد شهید محمد صفار - یکی از سوبه های باز بقا گذاری بود - که در راه تحقق آرمانهای توحیدی و در مسیر انقلاب شکوفا خلق ما - جان باخت - وی چون برهمنای بر کرد شیخ مکتب توحید و خلق قبرمان خویش سوخت - تا در دوران تاریکی ستم و ظلمت دیکتاتوری راه مردم خود را روشن سازد -

۱۴ مرداد مصاف با سالروز شهادت اوست - خاطره ای از مجاهد شهید را گزای داشته - و ضمن تحلیل از همه شیدای انقلاب - استوار راه رهائی بخش مردم و پاسداری از جان بازیهای شهدا را از روی می کنیم - در زیر قستی از زندگی - نامه ای برادر مجاهد را متأوریم تا الگویی برای پیوندگان راه باشد -

قلب نرم و بر ما طغای همچون حید بر - خود - و بدون کشتن تردید تمام میزدند - های ما طغی - این را از دوستان همگرا و خانودعاش سیرد - آن کس که دلی سرد و بی دغدغه دارد یعنی این حرف را نمی - بپند - مادرش می گوید:

یک روز عرا به کاری کشید و گفت: "مادر ما تو چند کلام حرف داریم - من نوبی راهی قدم گذاشته ام که امکان بازگشت به زندگی ندارد - می خواستم با اجازه تو بماند ... خواستم اعتراض کنم ... توی چشمانش نگاه کردم - یک دنیا نور امید - اراده و ایمان دیدم - تک تمام وجودش به صبرانه منتظر جواب - مشقت من بود - زبان مخالفتم قفل بقیه در صفحه ۱۱

هفته نامه مجاهد
نشریه مجاهدین خلق ایران
سال اول - شماره ۱۵ - ریال
آدرس تهران - خیابان مصدق
جنبش ملی مجاهدین